

1-866-980-9977

122 w.15th st.North Vancouver.BC.Canada

صرافی سلامت
www.salamat.ca

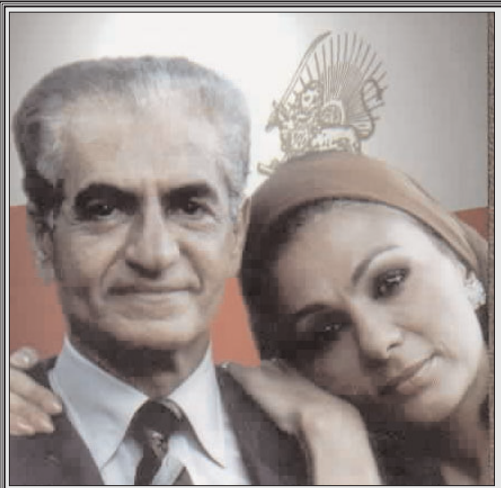
ارسال دلار به ایران و بالعکس - سریع و قابل اطمینان

Furnish Depo فرنیش دیپو
با مدیریت حکمت لاوی
پارس گالری سابق درمحل جدیدارائه میکند
ایده های متفاوت برای دکوراسیون منزل و محل کار
روزهای هفته ۶-۱۰ روزهای یکشنبه ۵-۱۱
(213) 347-0140 830S.HillSt First &Second

از انتشارات ایران چاپ
عصر امروز
\$0.25
Tel: (818) 783-0000 www.asreemrooz.com

GENESIS
اولین، باتجربه ترین، غیر قابل رقابتترین مرکز پذیرائی از سالمندان
همراه با صرف صبحانه و نهار با ورزش، تفریحات سالم، موزیک و شادی، مراقبت های پزشکی، یوگا، یک نیک، کلاس انگلیسی، کامپیوتر و دهها نوع برنامه سرگرم کننده دیگر
رایگان تلفن اطلاعات ۷۴۷۵-۳۴۹-(۸۱۸) FREE

Vol 17, No:3958, Wed 27 July 2005 Tel: (818) 783-0000 *** Fax: (818) 783-3679 Email: info@asreemrooz.com سال هفدهم - شماره ۳۹۵۸ چهارشنبه پنجم مرداد ۱۳۸۴ (نشره روزانه ایرانیان خارج از کشور)



شهبانو فرح پهلوی به مناسبت بیست و پنجمین سالروز درگذشت پادشاه فقید ایران، از محمدرضا شاه پهلوی سخن می گوید
با تو از ایران می گویم

مهلباد در اشغال نیروهای نظامی است
درگیری های خونین به سایر شهرهای کردستان آذربایجان غربی و کرمانشاه کشیده شده است
تغییرات مهم سازمانی و فرماندهی در سپاه پاسداران
جایگائی نیروها جهت پیوستن به کابینه احمدی نژاد
سفر مسئول مذاکرات هسته ای جمهوری اسلامی به آفریقای جنوبی انتخابات ایران تأخیری در تصمیم دسترسی به فناوری هسته ای ندارد

تظاهرات مردم "اشنویه" به خاک و خون کشیده شد
درتیراندازی ماموران رژیم دو جوان کشته و عده زیادی زخمی شدند
استعفای کاندیدا معترضی به انتخابات رئیس جمهوری از تمام مشاغل رسمی و غیر رسمی
دبیر کل مجمع روحانیون انتخاب می شود

رستوران جوان
۱۱۵۰۰ سانتامونیکا بلوار
از چهارشنبه تا شنبه با پیانوی داریوش عباسی
دلیوری تا شعاع سه مایل مجانی
۵۵۵۵-۲۰۷-(۳۱۰)
www.javanRestaurant.com

اتو استیگلر با ۵۰ سال سابقه
STIEGLER, INC.
فروشنده بیشترین اتومبیل های مرسدس بنز به جامعه ایرانی
John J.R Stiegler
خوشحال است عرضه کننده بهترین سرویس و خدمات بعد از فروش به مشتریان ایرانی باشد
(818) 788-0234
16721 Ventura Blvd, Encino

حمایت مشهورترین ناراضی قرن بیستم از معروفترین ناراضی ایران
واسلاو هاول رئیس جمهوری سابق چک خواستار آزادی اکبر گنجی شد

برای زیباتر شدن با آرایشگری
در مرکز جراحی زیبایی دکتر جورج بوریس تماس بگیرید
جراحی زیبایی بینی - کشیدن پوست صورت - برداشتن خطوط صورت - عمل پلک های چشم - کوچک و بزرگ کردن سینه بوتاکس و کالونژن - گذاشتن چانه و گونه - تمامی تآک - برطرف کردن مشکل خرخر - لایپوساکشن و شکل دادن به اندام
Tel: 1-800-893-7788

شبهای تهران
پذیرائی هفت روز هفته نهار و شام
۵شنبه - جمعه - شنبه و یکشنبه شبها
برام فروهر پروانه سیدکریم عماد شایسته ظلی قاسم کلی
به همراهی ارکستر فریدون حیدرینیا، ویلن بهروزبانی و ضرب و تمپو از جمال اسفندیاری
رقص عربی
آرتور خواننده نسل جوان
16101 Ventura Blvd Encino Place
(818) 905-7774

کلبه سبز
رستوران خانوادگی شما
برنامه مخصوص جمعه و شنبه
رستوران کلبه سبز
بارکسترشاد آریس و آکن و گروه کلاسیک و رقص عربی و رودی ۲۵ دلار شام و سه نوع پیش غذا شروع برنامه ۹ شب
۲۰۰۲۲ و نورتورابلوار
بین کوربین و وینکا در شهر و نوندهینز
۸۸۱۵-۸۸۸-(۸۱۸) تلفن

SUPER VISION OPTICAL
EYEWEAR SUPPLIERS
سوپرویشن
آخرین کلام دردمدو زیبایی عینک های آفتابی و طبی
به مدیریت حسین سیلانی
210 South Robertson Blvd Beverly Hills Ca 90211
Tel: (310) 623-4848

Better Consturction & Disign INC.
General Contractor, Lic: 817160
کارهای ساختمانی
نوسازی - ریمادینگ
همه گونه کارهای ساختمانی با قیمت بهترین برهه می شود
(818) ۳۹۹-۱۱۱۲

ثریا رسمی نماینده بیمه
ارائه مناسبترین نرخ های بیمه : سلامتی - دندان - عمر - اتومبیل - تجاری - منزل و زلزله و نیز بیمه افراد ۶۵ سال به بالا
۱۴۴۴ - ۶۰۰ (۳۱۰) ۷۳۱-۸۱۸۳ (۸۱۸)

رستوران شمال
چلوکباب - چلوخورشت و غذاهای شمالی
از ۲شنبه تا جمعه نهار مخصوص ۶/۹۹
برنامه آخر هفته با موزیک زنده و صدای خوش جمشید مجدو رقص قاسم آبادی و عربی و بندری کیتربنگ و دلیوری تا ۳ مایل مجانی
19548 Ventura Blvd, Tarzana CA 91356
Tel: (818) 609-9988

دکتر حسین اشراقی
استاد دانشگاه تهران و دانشگاه UCLA
دارای بورده تخصصی از آمریکا
تشخیصی و درمان :
پولیپ و سرطان روده بزرگ ، زخم معده و آئنی عشر دردهای شکم ، بواسیر ، بیماریهای کبد و کیسه صفرا اندوسکوپ معده و روده
(818) ۷۰۷۰-۵۰۰

رستوران شیراز
باغذاهای متنوع و سرویسی عالی
پنجشنبه شبها موسیقی امیل ایرانی با صدای دانشین پژمان باقری جمعه و شنبه شبها با وجود نوازنده کیبورد خواننده معروف شنبه شبها همراه بارفص زیبایی عربی
15472 Ventura Blvd
(818) 789-7788
دلیوری مجانی تا شعاع ۲ مایل

بیست و پنجمین سالروز درگذشت پادشاه فقید

ندارد از این مملکت برود، او را ممنوع الخروج می کنند، می گوید کسی که با ما مخالف است، حق زندگی ندارد! او را می کشند! چه روز روشن مانند اکبر گنجی... و چه شب تاریک مانند قتل های زنجیره ای... وقتی شاه می گوید هر که نمی پسندد برود، بدیهی است که شیخ بگوید هر که نمی پسندد بمیرد! از شاه تا شیخ به اندازه یک زندگی، یک انسان، یک عمر پست رفت داشته ایم! عقب گرد کرده ایم!

گوشی تلفن را قطع کرد و مرا اول وقت با مدام، مثل برق گرفته ها بر جا گذاشت. افکارم بهم ریخت. حالم گرفته شد. با مدام خراب شد... مانده بودم معطل که او کی بود؟! شماره تلفن همراه را از کجا به دست آورده بود؟! چه منظوری داشت؟! حرفش تمجید از پادشاه فقید بود و با انتقاد از او؟! می خواست بگوید حکومت چهل و خون اسلامی نتیجه منطقی و بقیه در صفحه ۵

یکی از دوستان معدودی باشد که شماره مرا دارد و یا تلفن اشتباهی. اما تلفن اشتباهی نبود، طرف هم آشنا نبود! بی مقدمه گفت: صبح به خیر آقای قاضی سعید... امید اینکه از خواب بیدارتان نکرده باشم. درست نوشته اید... یا درست نقل کرده اید حرف "برشت" فیلسوف و نویسنده و نماینده نویس جهانی را... این ملت شایستگی این دولت را ندارد! ملت باید برود!

نمی دانم چطور شما حالا به چنین کشتی نائل آمده اید. آن روزی که پادشاه فقید، حزب فراگیر "رستاخیز" را اعلام کرد، عینک سیاه بر چشم و انگشت در جلیقه، لیده روی میل گفتم هر کسی با این حزب موافق نیست، بیاید گذرنامه مجانی بگیرد و برو، در واقع همین حرف آقای برشت را زد! اگر برشت به طنز گفت، پادشاه فقید با جدیت گفت... نتیجه حرف آن روز پادشاه فقید این بود که امروز شیخ می گوید هر کسی با نظام جمهوری اسلامی موافق نیست، حق

پشت میز نشستم و قلم به دست گرفتم، حق داشتم از صدای رنگ تلفن "همراه" دچار تعجب شوم. این "تلفن همراه" یا به قول فرنگی ها "سلفون" ظاهرا برای کارهای فوری و حیاتی و ضروری، اختراع شده اما اینک در سراسر جهان تبدیل شده است به تلفن های "وقت کشی"، تلفن های عاشقانه! تلفن های غیبت و خبرچینی... به همین دلیل شخصا، تلفن همراه را هرگز از اتومبیل بیرون نمی آورم مگر اینکه "باطری" آن تمام شده باشد و ناچار باشیم آنرا به برق بزنم.

این کار حسن بزرگش اینست که جز در مواقع ضروری، آنچه داخل اتومبیل، همان اندک افراد معینی هم که این شماره تلفن را دارند، به وسیله آن با من تماس نمی گیرند. لحظاتی قبل هم که تلفن به صدا درآمد (بامداد روز سه شنبه) تازه آنرا از برق گرفته بودم تا وقتی از خانه بیرون می روم، آنرا فراموش نکنم. تلفن را برداشتم. قاعدتا بایستی



آگاه نیستم روزنامه "عصر امروز" در چه ساعت بامداد در لس آنجلس و شهرهای اطراف پخش می شود، اما اینرا می دانم که هر سرگراهی میتوان روزنامه را روی "اینترنت" دید، بنابراین وقتی ساعت هفت بامداد برای تکرار روزهای گذشته، برای دوره کردن همه روزهای زندگی،

از لابلای مقالات بلا هت عمومی! از: الاله بقراط

نویسنده- روزنامه نگار
در انتخابات ایران سخن گفتن از "رای اکثریت" اساسا پیوهده است زیرا این انتخابات بیش از آنکه بازتاب خواست و تمایل جامعه باشد، نشانگر صف آرایی درون حکومت و جنگ قدرتی است که بین دو نسل انقلاب جریان دارد. اگرچه لایه های فرودست و محروم جامعه به طمع "پول نفت" به احمدی نژاد رای دادند ولی این نظام و این انتخابات بازتاب خواست اکثریت جامعه نیست. یک دلیل این ادعا پیروزی "اصلاح طلبان" به پشتوانه اکثریت مردم در خرداد ۷۶ و مجلس ششم و سپس شکست های پی در پی آنان است. آیا آن زنان و جوانان اکثریت هستند یا این اکثریتی که با حذف و تقلب و ارباب و نیز ناچاری و نادانی برخی از رای دهندگان به دست آمده؟ با وجود افزایش شمار واجدان شرایط در هشت سال اخیر.

رای آن زمان مدعیان اصلاحات همچنان بسی بیش از مجلس هفتم و رئیس جمهور کنونی است! آن رای نه به خاتمی و اصلاح طلبان بلکه رای به تغییرات و رای به نان و مسکن و آزادی بود و چون تغییری روی نداد، آن اکثریت رای خود را پس گرفت. آن رای میلیونی تنها توانست قدرت صوری را به "اصلاح طلبان" اعطا کند. "اصلاح طلبان" نا توانتر، ترسو تر و مهم تر از همه، به نظام (هم چنین از نظر اقتصادی) وابسته تر از آن بوده و هستند که بتوانند از موهبت آن اکثریت به سود مردم بهره بردارند.

امروز نیز "اصلاح طلبان پیشرو" - مانند حاکمان اصلی که احمدی نژاد را آوردند- به جای ایستادگی در برابر انتصاب حکومتی با رای دادن به رفسنجانی فرار به عقب را برگزیدند. بعد درباره تقلبات ناله ای کردند و به امید نواله ای آن را "انتخاب اکثریت مردم ایران" نامیدند و از "فاشسیم" و "نظامیان" که خود از آن سخن می گفتند- تمکین نمودند.

دلیل دیگر، آرای جبهه تحریم است به اضافه رای معین و بخشی از آرای رفسنجانی که مجموع آن بسی بیش از آرای "رئیس جمهور منتخب" است که رای دهندگانش نه "یکدست" بلکه کاملا متنقذ اند! اگر در انتخابات هشتم تحریمیان در جایگاه دوم پس از خاتمی قرار بقیه در صفحه ۴

حکومت آخوندی یک پارچه شده و اروپا و آمریکا و مردم ایران فهمیده اند، معادله های سابق به هم خورده است

نمی کشد که رئیس جمهور انتصابی رهبر، ماموریتش را بایستی شروع کند، ولی هنوز زود است که چگونگی رویارویی هاشمی رفسنجانی را در مقابل این ترفند رهبر، حدس زد. ضمنا ساده لوحی است که اگر این کلک زدن و رودست خوردن مهره ای مثل هاشمی رفسنجانی را، نوعی ساخت و پاخت درون رژیم بدانیم، همچنان خیلی خوشبایوری است که این "مجل" شدن اکبر مصلحت را به یک رویارویی بزرگ با سید علی خامنه ای بکشانیم و برای آن غالب و مغلوب بسازیم.

بخشی از جناح هیئت حاکمه واپسگرایان، آخوندهای قشری، آخوندهای فرصت طلب (که جیب های گشادشان را برای اشتغال و مشاغل و پر کردن بیت المال، دولا پنهان و گشاد کرده اند) زوزوه کشان دم از "حماسه سوم تیر" و انتصاب دکتر احمدی نژاد می زنند. انتخابات کذایی را "باشکوه" می خوانند! آن را بازگشتی به دوره امام خمینی و کابینه الهی رجایی می دانند و این که جامعه اصلاحات زده "تبدیل به جامعه انقلابی و اسلامی شده است!"

اصولگرایان (که حالا همه مواضع "سندوق سازی، جعل رای و کل رژیم را نیز به دستور خامنه ای - به چند برابر خواندن رای های صندوق های تقلبی و رای های جعلی با صدها هزار شناسنامه ساختگی- کشانید و دو چهره منتخب رژیم را مقابل یکدیگر قرار داد: هاشمی رفسنجانی و محمود احمدی نژاد!

این تحریم در دور دوم از سوی مشارکتی ها، جبهه اصلاحات، جبهه ملی مذهبی ها و گروه های توده ای و کمونیست های سابق، کمی شکسته شد ولی در ضمن آنها را به سوی یک رسوایی دیگر سوق داد و بازی (بد) و (بدر) راه انداختند. آنها با ترساندن مردم از لولو که خورخوره احمدی نژاد، برای آن دیگر "چهره مغفور رژیم" یعنی اکبر هاشمی رفسنجانی به تکاپو و تقلا فتانند و به زبان آوردند و گویشند که بار دیگر- پس از دو دوره نکبت بار از چپاول و غارت و بند و بست با کمپانی های خارجی و رهبری تپوره های داخلی و خارجی- باز هم "مصلحت تقلبی و مفت خط و هفتاد رنگ اکبر مصلحت" را بر صندلی ریاست آن پس از خدمات بسیار در "تحریم رژیم" ظلم و شقاوت و تقلب، دوره این بار شاید عده ای هم در مقابله ماموریتش پایان گرفت و هم او نیز با این ترفند، به سوی احمدی نژاد جلب شدند و به قول خارجی ها "توده برد که می خواست با وعده ساخت و فقیر" باز هم دل به این وعده بست که شاید "پول نفت" را با انتخاب این سپس آمریکا گره بزنند.

چهره نا آشنا در سفره خود ببیند و به واری داد با این که پیدا بود که در هر حال از قبل رهبر معظم انتخاب خود را کرده است ولی باز هم مثل دور اول رای گیری با توسل به جعل و تقلب و زنگی یا رومی روم. آنها تکلیفشان چند بار رای دادن افراد سیجی و سپاه و چند برابر کردن آرای هر دو کاندیدا، در نهایت "مهره رهبر". هاشمی رفسنجانی را کیش و مات! کرد. با این که بیش از یک هفته ای طول



تلفن مستقیم سردبیر ۲۸۴۹-۷۸۳ (۸۱۸)

اندر فواید انتخابات قلبی!

گمان نمی رود که مردم ایران، بخصوص در شهرهای بزرگ تحریم ۲۷ خرداد انتخابات ریاست جمهوری را از یاد برده باشند. تحریمی ملموس از خیابان های خلوت و حوزه های رای گیری خلوت تر! تحریمی که رژیم به اصطلاح خر کردن آن (فرماندهان بسیج و سپاه) را وادار به تقلب، صندوق سازی، جعل رای و کل رژیم را نیز به دستور خواندن رای های صندوق های تقلبی و رای های جعلی با صدها هزار شناسنامه ساختگی- کشانید و دو چهره منتخب رژیم را مقابل یکدیگر قرار داد: هاشمی رفسنجانی و محمود احمدی نژاد!

این تحریم در دور دوم از سوی مشارکتی ها، جبهه اصلاحات، جبهه ملی مذهبی ها و گروه های توده ای و کمونیست های سابق، کمی شکسته شد ولی در ضمن آنها را به سوی یک رسوایی دیگر سوق داد و بازی (بد) و (بدر) راه انداختند. آنها با ترساندن مردم از لولو که خورخوره احمدی نژاد، برای آن دیگر "چهره مغفور رژیم" یعنی اکبر هاشمی رفسنجانی به تکاپو و تقلا فتانند و به زبان آوردند و گویشند که بار دیگر- پس از دو دوره نکبت بار از چپاول و غارت و بند و بست با کمپانی های خارجی و رهبری تپوره های داخلی و خارجی- باز هم "مصلحت تقلبی و مفت خط و هفتاد رنگ اکبر مصلحت" را بر صندلی ریاست آن پس از خدمات بسیار در "تحریم رژیم" ظلم و شقاوت و تقلب، دوره این بار شاید عده ای هم در مقابله ماموریتش پایان گرفت و هم او نیز با این ترفند، به سوی احمدی نژاد جلب شدند و به قول خارجی ها "توده برد که می خواست با وعده ساخت و فقیر" باز هم دل به این وعده بست که شاید "پول نفت" را با انتخاب این سپس آمریکا گره بزنند.

چهره نا آشنا در سفره خود ببیند و به واری داد با این که پیدا بود که در هر حال از قبل رهبر معظم انتخاب خود را کرده است ولی باز هم مثل دور اول رای گیری با توسل به جعل و تقلب و زنگی یا رومی روم. آنها تکلیفشان چند بار رای دادن افراد سیجی و سپاه و چند برابر کردن آرای هر دو کاندیدا، در نهایت "مهره رهبر". هاشمی رفسنجانی را کیش و مات! کرد. با این که بیش از یک هفته ای طول

در صف کناره گیری از رژیم

و تاکنون هشت تن کشته شده اند. گروه دومی نیز در ایران وجود دارد که بدون توجه به حملات نظامی به ایران و یا درگیری هایی که در شهرهای آذربایجان غربی روی داده و نام تجزیه طلبی را بر آن نهاده اند، معتقدند که کناره گیری سردمداران رژیم از سمت های خود به این دلیل است که علی خامنه ای با دادن مجوز به احمدی نژاد از او خواسته است تا با بولدوزی که در اختیار او قرار داده (یعنی کرسی ریاست جمهوری) کلیه معترضین و میانه روها را در پناه شعار حمایت از مردم از سر راه بردارد تا او بتواند به ولایت قبیحه خود ادامه دهد و احمدی نژاد هم همچنان در مقام ریاست جمهوری بماند!

این نظریه نیز می تواند کناره گیری سردمداران رژیم را توجیه کند اما تا کدام یک از این نظریه ها درست باشد و چه حوادثی در ایران پیش خواهد آمد باید منتظر آینده باشیم که آریستن حوادث تازه ای رسمی خود را با ایران آغاز کرده اند

مطلب دیگری که تعدادی از سردمداران جمهوری اسلامی را سخت به وحشت انداخته و سعی دارند با طرح استعفاي خود و کناره گیری از فعالیت های سیاسی خود را از مخمصه جنگ نجات دهند، افزایش ناآرامی ها در مهاباد و گسترش آن به شهر مرزی و کردنشین سردشت و دیگر شهرها است.

در دومین شهر ناآرام استان آذربایجان غربی مردم با ماموران نیروی انتظامی رژیم به شدت حمله کردند و چند نفر کشته و زخمی شدند. آنچه که در سردشت روی داد به دنبال ناآرامی های مهاباد بود و در هر دو شهر مردم لاستیک های کهنه را در خیابان ها به آتش کشیدند و به سوی مراکز دولتی و ماموران دولتی سنگ پرتاب کردند.

سایت خبری بازتاب اعلام کرده که شهر رضائیه نیز ناآرام است و نیروهای بیگانه از شمال ایران جنگ رسمی خود را با ایران آغاز کرده اند

محمد سعید حبشی
سرکردگان جمهوری اسلامی با انتخاب شدن احمدی نژاد به سمت ریاست جمهوری، یکی پس از دیگری آماده شده اند تا پیش از آنکه او رسما پشت میز ریاست جمهوری بنشیند، از سمت خود استعفا بدهند و از همکاری با رژیم کناره گیری کنند.

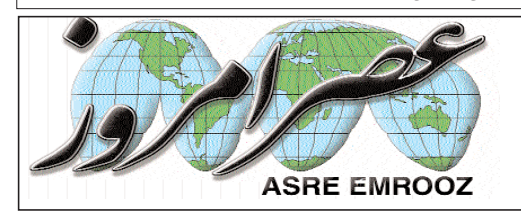
یکی از این مقامات مهدی کروبی است که از دبیر کلی مجمع روحانیون مبارز کناره گیری کرد و به خبرنگاران گفت که از این به بعد در هیچ کدام از سمت های قبلی خود فعالیت نخواهد داشت. بعد از کروبی نوبت به محمدخاتمی و محمد موسوی خوئینی ها خواهد رسید که از حالا نغمه های کناره گیری آنها از فعالیت های سیاسی به گوش می رسد. عده ای می گویند که گرچه کناره گیری مهدی کروبی به بهانه انتخابات است ولی او عده ای دیگر که به ترتیب در صف کناره گیری ایستاده اند، زودتر از بقیه متوجه شده اند که یکدست شدن جمهوری اسلامی با انتخاب احمدی نژاد، این فرصت را به آمریکا داده که طرح حمله خود را به ایران که مدت ها صحبت آن به گوش می رسد، هرچه زودتر به مرحله اجرا درآورد. به همین دلیل این عده نمی خواهند در درگیری های نظامی با آمریکا حضور و مداخله داشته باشند و احیانا زمینه خروج خود از ایران را هم آماده کرده اند. این نظریه بیشتر به این دلیل در تهران بر سر زبان ها افتاده که محسن رضایی دبیر تشخیص مصلحت نظام در سایت خبری بازتاب اعلام کرد شواهد بسیاری هست که نشان می دهد اوضاع کنونی ایران درست شبیه اوضاع پیش از حمله به عراق است. البته جورج بوش در این زمینه تاکنون مطلبی را به صراحت عنوان نکرده است اما همچنان می گوید که تحقیقات درباره حمله به ایران ادامه دارد و کارشناسان روی طرح آن در حال کار کردن هستند.

محسن رضایی همچنین تهدید کرده که در صورت حملات هوایی، یا عملیات پارتیزانی و کماندویی زمینی، نیروهای ایران بلافاصله حملات موشکی خود را به گشتی ها و تانکهای نفتی خلیج فارس آغاز خواهد کرد و به موازات آن شورش ها در عراق افزایش خواهند یافت.

وودلند هیلز مارکت

آب انار صدف	۳۲۵۰	۳۰۰۰
خیارشور یک و یک	۲۳۵۰	۱۹۹۰
آلیومی طبیعی اعلا	۱۴۰۵۰	۱۰۰۰
سیب پینک لیدی	پانندی	۶۹ سنت
زردآلو	پانندی	۶۹ سنت
پیاژچه و تریچه	بسته ای	۱۰ سنت
سیب گالا	پانندی	۶۹ سنت
لک کوآتر	پانندی	۵۹ سنت
کوبیده مرغ	پانندی	۲۰۳۹ دلار
فیله مینیون	پانندی	۵۰۴۹ دلار
لم شلدن	پانندی	۵۲۰۷۹ دلار
کالباس آرزومان مارکدلا	پانندی	۴۰۷۹ دلار
پنیر بلغار	پانندی	۲۰۷۹ دلار
ماست موسیر	پانندی	۲۰۹۹ دلار
کباب کوبیده، دوسپخ و جوجه کباب یک سیخ	پانندی	۵۰۹۹ دلار
سشیش کباب (چنجه)	پانندی	۶۰۹۹ دلار
سبزی پلو با ماهی سفید (دو تکه)	پانندی	۲۰۹۹ دلار

(شامل نان و ریحان و گوجه فرنگی و لیمو ترش)
هر روز یک غذای مخصوص شامل لویپلو، زرشک پلو با مرغ، آبپلو پلو و باقالی پلو با ماهیچه فقط ۵۰۹۹ دلار انواع خورشت ها ۶۱۹۹
سالادها- ماست خیاز- ماست استناج- ماست موسیر- ماست خیاز یونانی با ماست چکیده
کیترننگ پذیرفته پذیرفته میباشند ذغالی مازنازل با بهترین کیفیت
ساعات کاری : یکشنبه ها ۹ صبح تا ۹ شب
بقیه روزها ۸ بامداد تا ۹ شب
آدرس : ۱۹۹۶ وینورا بلوار در شهر وودلند هیلز
۸۱۸-۹۹۹-۴۴۷۷



مدیر: هایوان هوشیار نژاد سردبیر: عباس پهلوان Tel: (818) 783-0000 Fax: (818) 783-3679
IRANIAN PUBLISHING INC. ASRE EMROOZ.com
16661 Ventura Blvd#212 Encino, CA 91436
Tel: (818) 783-0000 Fax: (818) 783-3679 www.asreemrooz.com

یادداشت‌های بی‌تاریخ دکتر صدرالدین الهی

فریب سفره رنگین مخور که دود و دمش، ز پاره جگر و دود سینه فقراست

آب مورد نیاز بشر ۸۰ درصد کاهش خواهد یافت و از ۴۴۲۰ میلیون متر مکعب به ۶۶۷ میلیون متر مکعب خواهد رسید و این در حالی است که مقدار ۲۰۰۰ متر مکعب حداقل آب مورد نیاز هر انسان است.

حکایت همیشگی گرسنه‌ها

می‌گفت: تا کسی تلفنی سر چهار راه به چراغ قرمز خورد و متوقف شد. ناگهان یک دسته بچه خردسال از دختر و پسر مثل یک گله زنبور عسل دور دست هر کدام چیزی بود. یک بسته آدامس، یک جعبه مداد رنگی، یک دفترچه سفید، یک بسته سیگار و صداهایی بود که در هم می‌پیچید. شبیه التماس دسته‌ای که در راه سختی سربالایی می‌روند و کمک می‌طلبند. شیشه‌ها را که پائین کشیدم در کنار پنجره جمع شدند. با این التماس: **خانوم بخرا! ترا بخدا بخرا! تو رو چون هر کی دوست داری بخرا! فقط ده تومان بده! یکی بدم؟ چی بخرم؟ چرا بخرم؟**

صدای یکیشان که به زحمت ده سال داشت توی صورتم ریخت: **- خانوم گشنه این آدامسو از من بختر که تو بم نون بخرم و بخورم. بخدا من کدا نیستم فقط گشنه!**

خانم دوست من که به پهنای صورت اشک می‌ریخت، از تهران آمده بود و می‌گفت: سر هر چهارراهی، در شمال شهر که اتومبیل توقف می‌کند خیل این بچه‌های گرسنه به سوی تو دست دراز می‌کنند و تو جگرتر پاره پاره می‌شود.

فقر و گرسنگی بچه‌ها را کنار خیابان‌ها می‌دارد که التماس کنند و این دیگر در آفریقا نیست، در تهران بزرگ است که فقر و گرسنگی به روی آدمی چنگ می‌کشد.

حرف‌های او را که می‌شنوم یاد تمام ضرب‌المثل‌ها و شعرهای فارسی می‌افتم درباره گرسنگی، چند تایی را می‌توانم بنویسم. کنفرانس ۸ بزرگ برای فقر آفریقا است اما در وطن من که روی دریای نفت بشکه‌ای ۶۲ دلار دراز کشیده است بچه‌های شهر گرسنه‌اند و ...

- شکم گرسنه دین و ایمان ندارد
- از گرسنه بگیر بده به سیر
- سیر از گرسنه چه خبر داره؟

و بر فراز همه اینها شیخ اجل سعدی با آن لبخند هوشیارانه اش مرا می‌خواند.

آنکه در راحت و تنعم زیست او چه داند که حال گرسنه چیست.

با گرسنگی قوت پریشان نماند! افلاک عنان از کف تقوی بستاند.

ملحد گرسنه در خانه خالی بر خوان ا بقل روزه نکند کز رمضان اندیشه.

نه این گرسنگی حکایت امروز آفریقا نیست. قرن‌هاست که شکم سیرها غم گرسنگان را ندارد و باز این حکایت جدال میان گرسنگی و سیری است که شیخ به‌بهرترین زبانی از آن با ما سخن می‌گوید.

حکایت: یکی از حکما پسر را نمی‌کرد از بسیار خوردن که سیری شخص را رنجور دارد.

گفت: ای پدر گرسنگی مرد را بکشد، شنیده‌ای که ظرفان گفته‌اند به سیری مردن به که گرسنگی بردن.

گفت: اندازه نگه دار. کلووا و اشروبا و لاتسروفا

نه چندان بخور کز همدان برآید، نه چندان که از ضعف جانت برآید.

نمی‌دانم که آیا شیخ اگر در روزگار ما بود و این گزارش مجله نول اوپسرواتور آخر ماه مارس ۲۰۰۵ را درباره از یاد رفتگان شهرک "واتیرامبا" در اتیوپی می‌خواند چه می‌گفت. "بلاش زگی" **پیرزن حشی پس افکنده سلیمان و سبا و قرنها**

در تاریخ ریستن از برهنگی فقیرانه خود شرمگانه سخن می‌گوید. او در این دهکده زندگی می‌کند و چهار ماه پیش **با هفت تخم مرغ** که از تنها مرغش دارد به شهر ارمینه می‌رود تا تخم مرغها را بفروشد و یک کاسه یک کیلویی گندم بخرد. روز عید تنها روز سال است که او می‌تواند با پرداخت ۲۵ سنت یک تکه گوشت بخرد و بخورد. پول ندارد که قهوه بخرد و روز عید به مهمانش تعارف کند و این است فقر و گرسنگی که قرن و سال و ماه نمی‌شناسد.

با جلوگیری از اسراف می‌توانیم گرسنگان را سیر کنیم

آیا کنفرانس اسکاتلند می‌تواند چاره‌ای برای فقر آفریقایی باشد؟

آیا این فقر فقط خاص قاره آفریقا است؟ در جریان **توفان "سونامی"** سرزمین‌های سوخته از فقر آسیای جنوب شرقی را هم دیدیم. در برابر این فقر در طول دوران‌ها با راحت و تنعم گروهی روبرو بوده‌ایم که به تنها چیزی که نمی‌اندیشیده‌اند غم آدمی بوده است و غمی هم نداشته‌اند که نام آدمی بر آنان نهمند. این سیرها که وصف اقسام آنها را از "ترو" اکول تا "قارون" افسانه‌ای خوانده و شنیده‌ایم امروز هم در سراسر جهان حضور دارند.

لازم نیست همه آنها میلیون و میلیارد باشند. همه ما که به نوعی از زندگی راحتی برخورداریم، از آن دسته‌ایم که نمی‌دانم می‌توان ما را آدمی خواند یا نه؟

دو سال پیش در یک مقاله تحقیقی خواندم که با جلوگیری از اسراف در کشورهای پیشرفته می‌توان به مبارزه با فقر کمک فراوان کرد.

این حقیقتی است. اگر همه ما به مصرف غذای روزانه در خانه‌های خود نگاه کنیم و توجه داشته باشیم که هر روز چقدر نان، برنج، گوشت، سبزی و میوه را به عنوان آنکه زیاد است، **روانه سطل زباله می‌کنیم** باور خواهیم کرد که با جلوگیری از این اسراف می‌توانیم گرسنگان را سیر کنیم.

در آمریکا در این سال‌ها نهضتی بوجود آمده که به آن کمک به گرسنگان جهان گفته می‌شود.

حالا در آغاز فصل و مخصوصاً در نزدیکی نوتل جلو فروشگاه‌ها و سوپرمارکت‌ها صندوق‌ها و سطل‌های بزرگ می‌گذرانند و از مردم می‌خواهند که مازاد مواد غذایی غیرفاسد شدنی خود را مانند کنسروی‌های گوشت و سبزی در این سطل‌ها بریزند.

آنها اسم این سازمان را Food Bank گذاشته‌اند و مسئولان و داوطلبان این سازمان هدایای مردم را جمع می‌کنند و به **محتاجان گرسنه** می‌رسانند.

در سنت‌های غربی و شرقی هم همواره **رسم اطعام مساکین** یک رسم پسندیده زمانه بوده است. هنوز هم در آمریکا سازمان‌های بسیار به ویژه کلیساها در شب‌های عید و سال نو آشپزخانه بزرگی تدارک می‌بینند و گرسنگان را به غذای گرم مهمان می‌نمایند.

بقیه در صفحه ۵



تقریباً در مرحله صفر درجا می‌زند.

● **تجارت جهانی بردگان جنسی یکی از بزرگترین منابع درآمد برای قاچاقچیان انسان است. در سال ۲۰۰۴ بنا بر آمار رسمی بیش از ۱/۲۰۰/۰۰۰ دختر زیر سیزده سال در بازارهای فروش بین‌المللی به عنوان مستخدم، پرستار و ... معامله شده‌اند.**

● در قرن شانزدهم میلادی جمعیت کره زمین ۴۵۰ میلیون تن برآورد شده بود. در آغاز قرن گذشته ۱۹۰۰ میلادی این تعداد به ۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰ تن رسید و در نیمه قرن یعنی ۱۹۵۰ تعداد ۷۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دیگر به این جمعیت افزوده شد

سرعت افزایش جمعیت بروی زمین آهنگی هراس‌انگیز دارد. در برگردان قرن جمعیت کل زمین را به ۶/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تخمین زده‌اند و این مقدار براساس پیش‌بینی‌های سازمان‌های باتجربه در سال ۲۰۵۰ بالغ بر ۱۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تن خواهد شد و براساس مطالعات همین سازمان‌ها ۹۵ درصد نوزادان جهان در سال ۲۰۴۰ متولد شدگان در کشورهای فقیر هستند.

● **اگر سطح زندگی و رفاه مردم سوئیس معیار اندازه‌گیری قابلیت پذیرایی زمین از فرزندان خویش باشد، کره ارض تنها قادر است زندگی ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تن را از هر جهت تأمین کند. اما اگر معیار سنجش با مقداری استفاده خانواده‌های دهقانی بنگلادش باشد مادر زمین قادر است بین ۱۸ G ۲۰ میلیارد فرزند را در آغوش خود جای دهد.**

● محو سرمایه‌های طبیعی زمین که مایه ارتزاق انسان‌هاست در کشورهای توسعه‌یافته آهنگی سهمگین دارد. تنها در اندونزی در سال‌های ۱۹۷۰ بیش از ۸۰ درصد جنگل‌های جزیره سوماترا از میان رفته است.

● **خشکسالی و کمبود آب جهان امروز مردم را به طرز نگران‌کننده‌ای تهدید می‌کند. در شمال آفریقا و خاورمیانه کم‌آبی و بی‌آبی سبب اصلی تنش‌های اجتماعی و قبیله‌ای است. در فاصله ۱۹۶۰ G ۲۰۲۵ بنا بر اظهار کارشناسان مقدار**

اله‌الله

۸۱۸-۷۸۶۷۸۴۹

درد وطن خویش!

● این گوینده‌ها و برنامه‌ساز و نویسنده‌ها هم کمی در این احساسات ناسیونالیستی و وطن‌پرستی خود، تخفیف بدهند. آدمیزاد خنده‌اش می‌گیرد.

++ شما زیاد در وطن نمانده‌اید که از زبان همه آنها بشنوید و بخوانید: غیر درد وطن خویش که بر دل دارم/ من از این عمر بشتانده‌ام چه حاصل دارم!؟

کمی امیدواری بیشتر!

● ما به درگاه خدا چه گناهی کرده بودیم که حاصل عمرمان آن هم در نیمه راه زندگی، بیست و چند سال دردی روی آورگی و غم‌ه بود؟

++ امیدواریم بنده و شما بر این اعتقاد بناییم: کلمه سخت کسی را که بافتند بسایه، به آب زمزم و کوثر، سفید توان کرد!

کم حافظگی و آلزایمر!

● بعضی از این نویسندگان شما دچار کم‌حافظگی هستند و مرتب نظرات خود را تغییر می‌دهند.

++ شما آنها را به آلزایمر خودتان ببخشید!

حال کردن جوانانه!

● سردبیر عصر امروز نشان داده که هنوز در این سن هم دلش با جوانان است و مسائل جوانان از جمله شعر امروز را برای جوانان الانی چاپ می‌کند.

++ زدی تو خال! خوب حال دادی ها؟ قربان فهم و شعورت، درد و بلات بخورد به جان آنها که می‌پیری عصرامروزی ما را که به رخشان می‌کشند!؟

در حاشیه کنفرانس رهبران گروه ۸ در اسکاتلند برای آفریقا این دنیای گرسنه، گرسنه، گرسنه:

آمار رقت‌انگیزتر از آن است که بتوان به آن فکر کرد. جهان ما گول‌هایی این چنین در برابر خود دارد.

● **هر سال ۵/۰۰۰/۰۰۰ کودک در سراسر جهان از بیماری‌های جان می‌سپارند که درمان آن هم آسان است و هم ارزان، منتهی برای این قربانیان نه داروی شفا بخشی در دسترس است و نه جیبی بر بایین آنها حاضر می‌شود.**

● **هر سال ۴/۰۰۰/۰۰۰ نوجوان قادر نیستند که به مدرسه بروند و خواندن و نوشتن بیاموزند و به عنوان یک انسان مفید قدم به فردایی بگذارند که زندگی در آن حق مسلم آنهاست.**

● **تنها در آفریقا ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تن در مضیقه تهیه آب آشامیدنی تصفیه شده و پاک هستند و نمی‌توانند خود را از خطر بیماری‌هایی که آشامیدن آب ناپاک پیش می‌رود در امان دارند.**

● **در جهان امروز ما ۲/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ کارگر زن و مرد در کارگاه‌ها و مزارع به تولید مشغولند و محصولات تولید شده آنها به ارزان‌ترین قیمت در بازار به فروش می‌رسد زیرا این بیش از دو میلیارد کارگر در روز دستمزدی کمتر از یک دلار آمریکایی و حدود ۷۰ سنت اروپایی دریافت می‌دارند.**

● **در جهان امروز ما بیش از ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ انسان از بیماری‌های ناشی از سوء تغذیه و کمبود ویتامین رنج می‌برند و مقداری پروتئین‌های آنها یک پانصدم مقدار پروتئین مصرفی یک مصرف‌کننده معمولی در کشورهای صنعتی است. تعداد گرسنگان مطلق که تهیه یک وعده غذا هم برایشان غیرممکن است به ۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تن می‌رسد.**

● **بیماری مهلک "ایدز" تنها در بعضی از ممالک آفریقایی قریب یک سوم اهالی را به کام مرگ می‌فرستد و کوشش‌های سازمان‌های جهانی بهداشت، پزشکان بدون مرز، سازمان‌های مبارزه با ایدز به دلیل سرعت رشد بیماری**

از طنز نویس معروف ابراهیم نبوی- آلمان

تفاوت صندلی‌ها

● **تفاوت صندلی شورای نگهبان با مجمع تشخیص مصلحت چیست؟ واقعیت این است که صندلی‌های مختلف در مجمع تشخیص مصلحت و شورای نگهبان و مجلس و ریاست جمهوری با هم تفاوت اساسی دارند. تفاوت این صندلی‌ها به جنس، شکل، طول عمر و چیزهای دیگر آب‌برمی‌گردد، لذا برخی تفاوت‌های صندلی‌های مذکور برای درک بیشتر خوانندگان به این شرح عنوان می‌شود:**

۱- **صندلی‌های شورای نگهبان** تعدادشان ثابت است و ۱۲ صندلی بیشتر نیست، اما صندلی‌های مجمع تشخیص مصلحت بر اساس مصلحت کشور و وقایع ناگوار تعدادشان کم و زیاد می‌شود.

۲- **وقتی کسی روی صندلی شورای نگهبان می‌نشیند عمر سیاسی اش شروع می‌شود و آفت‌در روی آن می‌نشیند تا عمر طبیعی اش تمام شود، اما وقتی کسی عمر سیاسی اش تمام شد، روی صندلی مجمع تشخیص مصلحت می‌نشیند.**

۳- **صندلی‌های شورای نگهبان** مثل مبلمان راحتی است، وقتی کسی روی آن می‌نشیند دیگر دلش نمی‌خواهد از روی آن تکان بخورد، اما صندلی‌های مجمع تشخیص مصلحت مثل تخت بیمارستان است، وقتی کسی نمی‌تواند تکان بخورد روی آن می‌نشیند.

۴- **صندلی‌های شورای نگهبان** مثل میز رزرو شده رستوران است، هم معلوم است چه کسی رویش می‌نشیند و هم هیچ کسی دیگری حق نشستن روی آن را ندارد، اما صندلی مجمع تشخیص مصلحت مثل

صندلی‌های شورای نگهبان

● **صندلی‌های شورای نگهبان** مثل یک دست‌میل استیل است که همه‌شان مثل هم هستند و آدم‌هایی که روی آن می‌نشینند هم مثل هم هستند، فقط بعضی از آنها که قدیمی‌تر هستند بیشتر سروصدا می‌دهند و بیشتر هم روزهای جمعه سروصدا می‌دهند، اما صندلی‌های مجمع تشخیص مصلحت هرکدام یک شکل هستند و معمولاً از آنها هیچ سروصدایی بلند نمی‌شود. هرکسی وارد مجمع تشخیص مصلحت می‌شود با خودش صندلی هم می‌آورد.

۷- **وقتی کسی روی صندلی شورای نگهبان می‌نشیند دیگر مطمئن است که هیچ مشکلی برایش پیش نمی‌آید، اما تازه بعد از اینکه برای کسی مشکلی پیش آمد، روی صندلی مجمع تشخیص مصلحت می‌نشیند.**

● **بعضی از این نویسندگان شما دچار کم‌حافظگی هستند و مرتب نظرات خود را تغییر می‌دهند.**

++ شما آنها را به آلزایمر خودتان ببخشید!

حال کردن جوانانه!

● **سردبیر عصر امروز نشان داده که هنوز در این سن هم دلش با جوانان است و مسائل جوانان از جمله شعر امروز را برای جوانان الانی چاپ می‌کند.**

++ زدی تو خال! خوب حال دادی ها؟ قربان فهم و شعورت، درد و بلات بخورد به جان آنها که می‌پیری عصرامروزی ما را که به رخشان می‌کشند!؟

● **بعضی از این نویسندگان شما دچار کم‌حافظگی هستند و مرتب نظرات خود را تغییر می‌دهند.**

++ شما آنها را به آلزایمر خودتان ببخشید!

حال کردن جوانانه!

● **سردبیر عصر امروز نشان داده که هنوز در این سن هم دلش با جوانان است و مسائل جوانان از جمله شعر امروز را برای جوانان الانی چاپ می‌کند.**

++ زدی تو خال! خوب حال دادی ها؟ قربان فهم و شعورت، درد و بلات بخورد به جان آنها که می‌پیری عصرامروزی ما را که به رخشان می‌کشند!؟

● **بعضی از این نویسندگان شما دچار کم‌حافظگی هستند و مرتب نظرات خود را تغییر می‌دهند.**

++ شما آنها را به آلزایمر خودتان ببخشید!

حال کردن جوانانه!

● **سردبیر عصر امروز نشان داده که هنوز در این سن هم دلش با جوانان است و مسائل جوانان از جمله شعر امروز را برای جوانان الانی چاپ می‌کند.**

++ زدی تو خال! خوب حال دادی ها؟ قربان فهم و شعورت، درد و بلات بخورد به جان آنها که می‌پیری عصرامروزی ما را که به رخشان می‌کشند!؟

● **بعضی از این نویسندگان شما دچار کم‌حافظگی هستند و مرتب نظرات خود را تغییر می‌دهند.**

++ شما آنها را به آلزایمر خودتان ببخشید!

حال کردن جوانانه!

● **سردبیر عصر امروز نشان داده که هنوز در این سن هم دلش با جوانان است و مسائل جوانان از جمله شعر امروز را برای جوانان الانی چاپ می‌کند.**

++ زدی تو خال! خوب حال دادی ها؟ قربان فهم و شعورت، درد و بلات بخورد به جان آنها که می‌پیری عصرامروزی ما را که به رخشان می‌کشند!؟

● **بعضی از این نویسندگان شما دچار کم‌حافظگی هستند و مرتب نظرات خود را تغییر می‌دهند.**

++ شما آنها را به آلزایمر خودتان ببخشید!

حال کردن جوانانه!

● **سردبیر عصر امروز نشان داده که هنوز در این سن هم دلش با جوانان است و مسائل جوانان از جمله شعر امروز را برای جوانان الانی چاپ می‌کند.**

++ زدی تو خال! خوب حال دادی ها؟ قربان فهم و شعورت، درد و بلات بخورد به جان آنها که می‌پیری عصرامروزی ما را که به رخشان می‌کشند!؟

● **بعضی از این نویسندگان شما دچار کم‌حافظگی هستند و مرتب نظرات خود را تغییر می‌دهند.**

از لابی مقالات

داشتند، این بار آرای میلیونی که به صندوق ریخته نشد، از آرای همه نامزدها و هم چنین رئیس جمهور منتخبی بسی بیشتر است.

با این همه این انتخابات دو دستاورد مهم مقوله "اصلاحات" در حکومت اسلامی که به برکت آن برخی قلم به دست شدند (بدون آنکه دانش بررسی "اصلاح یا انقلاب" را داشته باشند). از همین رو آن را چنان تزلزل دادند که روح کارل پوپر در گور به لرزه درآمد. دستاورد دیگر "یکدست شدن" حکومت است. اینک کسانی که در ۲۶ سال گذشته قدرت واقعی را در دست داشتند، قدرت ظاهری را نیز در دست گرفتند و ناخواسته ایران را یک گام به سوی تعیین تکلیف نهایی پیش بردند زیرا دیگر بی نقاب و مستقیم در برابر مردم قرار دارند.

آنها یا باید به وعده ها عمل کرده و به خواست های مردم پاسخ دهند و یا باید مشیر را از رو ببندند.

اما غرب و تحلیل گران در این انتخابات از یک سو جبهه تحریم را دست کم گرفتند و از سوی دیگر با اینک می دانستند یک رئیس جمهور حزب الهی جهت تکمیل مجلس هفتم و قوه قضائیه در دستور کار است، برای رفسنجانی و توانایی "اصلاح طلبان"

در دفاع از او، حساب بزرگی باز کردند. در حال از تاثیر شارلاتانیم و شعارهای عوام فریبانه در یک جامعه بسته غافل ماندند و هم چنین فکر نمی کردند تقلب سازمان یافته و دخالت وزارت اطلاعات و "بیت رهبری" این چنین گسترده باشد و هیچ کس هم در برابر آن نایستد.

هیاهوی گروهی و مظلوم نمایی رفسنجانی به تشکیل حزب و جبهه منجر شد. خاتمی هم اصلا به روی خود نیاورد.

فراخوان برای تشکیل "حزب اعتدال اسلامی" و "جبهه خط امام" از سوی چهره های شناخته شده رژیم نیز "استارت" جبهه مشارکت برای "انتخابات بعدی" همگی فرار به عقب است.

نهی جمهوری اسلامی در برنامه اتمی، تروریسم و حقوق بشر می تپد و فقط اتحاد همه طرفداران دموکراسی و حقوق بشر و انتخاب و پذیرش یک رهبری سیاسی فعال می تواند این راه ناهموار را به سوی آینده بکشاید.

در این میان وضعیت نویسندگان و هنرمندانی که بازپچه توهمات خود و جنگ قدرت شدند و نام و رای خود را آلودند بسیار غم انگیز است. ببینید کیارستمی برای کسی که در پرونده انقلابی اش تیر خلاصی زدن ثبت شده چه می نویسد: "دوست عزیز من، تاکنون دو بار رای داده ام و هر دو

بار پشیمان. این بار با آمادگی بیشتر بار دیگر، به پای صندوق رای خواهم رفت و اما رای ام را به دیگری خواهم داد که او را به اندازه تو دوست نمی دارم!"

این هم از فیلم ساز جهانی ما که این چنین فیلم می شود. چه انتظاری از عوام می توان داشت؟ یک مثل آلمانی می گوید: "آدم در خوکدانی به خوک تبدیل نمی شود ولی بوی خوک می گیرد". اتفاقا این گروه که وظیفه روشنگری بر عهده دارد و باید وجدان ییادار جامعه باشد، بیش از همه می بایست خود را در برابر تقاضای فرهنگی و فکری جمهوری اسلامی که گند آن به خارج کشور نیز رسیده است، محافظت می کرد.

می توان در ایران بود و بوی خوک نگرقت ولی در آن سوی جهان خود را "تبعیدی" نامید و بوی خوک داد. و اما کسانی که ستاد انتخاباتی "پدر خوانده" خود را در خارج کشور

هدایت می کردند و با فضاحت شکست خوردند، به جای تجبیر برای مقابله با آنچه خودشان "فاشیسم" و "طالبان" نامیدند، دوباره یقه تحریم کنندگان را گرفتند و شکست آنان را اعلام کردند! ولی حق آن بیست و پنج میلیون نفری که طبق آمار رسمی در انتخابات شرکت نکردند چه می شود؟

لا بد چشوشان گور می خواستند شرکت کنند؟ که به کی رای بدهند؟ مگر شما که سالهاست رای می دهید، به کدام حق رسیدید: مجلس هفتم و احمدی نژاد؟!

عمل درست اما حتی اگر در اقلیت هم باشد، چیزی از درستی آن کاسته نمی شود. نمی دانید چقدر خشموم از اینکه جزو آن اقلیت دو درصدی هستم که به جمهوری اسلامی رای "آری" ندادند!

اگر کسان می توانند ادعای سکولاریسم و دموکراسی داشته باشند و بعد با وجدان آسوده بروند به خاتمی و رفسنجانی در یک حکومت دینی رای دهند، دلیل تقاضی بین ادعا و عمل، اندیشه و سیاست، را باید در خود بجویند و نه اینکه خشم پیامد دوگانگی رفتاری و شکست خود را بر سر جبهه تحریم خالی کنند.

"پوپولیست ها" در میان تحریم کنندگان نیستند، بلکه سالهاست بر ایران حکومت می کنند. آن هم با انتخابات و آرای شما! ما برای بلاهت عمومی نیز متاسفیم و نمی توانیم دنبال توده عوامی راه یفتیم که زمانی به فکر آب و برق رایگان بود و حالا خواب "پول نفت" می بیند و چه بسا روزی چرت "غور ملی" اش در فقر و اعتیاد با بمب اتم پاره شود.

ASRE EMROOZ email:info@asreemrooz.com

سوپر شایان به واقع بازار تهران را برای شما تداعی میکند ۳۱۰۰-۳۷۵-۵۵۹۷

رستوران حاتم شماره یک (714)991 6262 1112 N. Brookhuerst St. Anaheim, CA 92801

دیشی و رسیور ماهواره مخصوص تلویزیونهای ۲۴ ساعته ایرانی فقط ۱۶۰ دلار (818)۲۸۸-۰۸۳۲

حرف های روز

لااقل ۲۵ میلیون واجد شرایط رای نداده اند. بیش از یک میلیون و نیم رای های باطله بوده و به گزارش نیمه رسمی وزارت کشور فقط حدود ۵ تا ۷ میلیون در انتخابات شرکت کرده و رای واقعی داده اند.

یعنی اروپا و آمریکا از این پس باید روی مردم ایران حساب کنند نه این که به طرف زور و قلدری برود و لااطلائی که نوکیسه هائی که به قدرت رسیده اند از مقابله با استکبار و بیگانگان دم می زنند. با این انتخابات حالا "آرپو" هم می فهمد که آن چه جرح پوش تاکید دارد یعنی روی "آزادی ملت ها" باید سرمایه گذاری کند نه ساخت و ساخت با حکومتی ها (تزی که اتحادیه اروپا به سرکردگی آیت الله چک استرا وزیر خارجه انگلستان می خواست پیش ببرد).

با یکپارچه شدن این حکومت و قدرت مطلقه تر ولی قبیله و کابینه و قشون و قوه قضائیه و مجریه و مقننه رهبر معظم، هم مردم ایران و هم اروپا و آمریکا به مصداق "مرگ یک بار و شیون یک بار" پایستی حساب و کتاب خودشان را با رژیم یکسره کنند. گرچه با تمایشی که قوه قضائیه راه انداخته (که خود، منتقد

و حتی خطاکار نقض حقوق شهروندی معرفی شده و بعضی ملاحظات دیگر) ممکن است از "کوتاه آمدن رژیم در برابر خیلی مسائل ذیعلاقه آمریکا و اروپا) خبر بدهد ولی آن نسیمی که وزیر خارجه آمریکا می گوید در خاورمیانه وزیدن گرفته است: نسیم دموکراسی و آزادی (طبق گفته او) از دمشق و تهران هم خواهد گذشت. اکثریت خاموش چند دهه میلیونی کار استبداد آخوندی را یکسره خواهد کرد و عاقبت: "دور ستم، دور بلا، دور بیداد، دور رنج و عذاب و استبداد، سیه روزی، روز غم و شام بلا، دور طاعون و وبا و غارت و تاراج و خطا، دور تحطی و بیکاری و بیماری و فقر، این همه درد و غم روح گزرا می گذرد."

همه داند که عفریت ستم خواهد مرد / همه داند که بیداد و جفا می گذرد. / عاقبت این شب تاریک سحر خواهد شد / عاقبت روز پریشانی ما می گذرد.

رایین هود اسلامی یا دن کیشوت رهبر! با شعار دهن پرکن و خورنگ کن: "از ثروتمندان و آقازاده ها که در انقلاب چاییده اند پول ها را می گیریم و به فقرا می بخشیم و پول نفت را به سفره مردم می گذاریم!" بعضی از روزنامه نگاران خارجی لقب "رایین هود اسلامی" را به محمود احمدی نژاد (رئیس جمهور منتصب سید علی خامنه ای) بخشیده اند و معادل آن یعنی یعقوب لیث صفار است در بدو قبضه کردن قدرت و رسیدن به حکومت و رسم قلندران قدیم. اما "احمدی نژاد" در واقع یک "دن کیشوت" است که با شمشیر چوبی به جنگ آسیاب بادی می رفت (از قضا امسال چهارصدمین سال خلق رمان معروف سروانتس و به قولی قدیمی ترین رمان دنیا است).

حکایت از کجا آورده ای؟ و این که به حساب و کتاب مقامات صاحب مکننت برسند- که در دوران ریاست و وزارت و صدر اعظمی، امیر توانمی نخست وزیر و فرماندهی قشون،

به مال و منال رسیده اند، همیشه در صفحات تاریخ ما حضوری مضحک و ترازوی داشته است و هیچگاه نیز مردم آن را جدی نگرفته اند!

این سرنوشتی است که بعضی ها، شاید خیلی خوش بینانه در مورد "آیت الله هاشمی رفسنجانی" پیش بینی می کنند. "احمدی نژاد" و دار و دسته اش- که دست بر قضا چندین افعی مافیایی بازار و حوزه مذهبی و سیاه در لا و لوهائی آن قرار دارند- مرد این میدان نیست.

او دست به نقد باید اسکله های متنوع، تحت اختیار سپاه را- که از آنجا جنس قاچاق وارد کشور می کنند- از دست فرماندهان سپاه بگیرد!

ولی به قول معروف سگ کی باشد! باید پنجه های "مثلا آیت الله ناصر مکارم شیرازی مرجع تقلید شیعیان" را از واردات قند و شکر بردارد و کرکره این دکان مافیایی زهد رایایی را پائین بکشد، ولی با یک فتوا یکپه گوید دیدی احمدی نژاد سوسک شد! (همین طور چندین و چند فقره آیت الله زورمند و پرفنوذ دیگری مانند آیت الله محمدرضا مهدوی کنی).

برای مقابله با دزدی ها و چاپیدن

فاحش بیش از ۹۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی ایران (در ۲۷ سال گذشته) لااقل باید ریش "عسگر اولادی مسلمان" موثله را بگیرد که رئیس جمهور منتخب" هرگز جرات چپ نگاه کردن به چنین اژدهای هفت سری را ندارد که خود را قیباله بنجاق فتنه ۵۷ و معمار انقلاب و جمهوری اسلامی می داند.

گفت جانای نیک ورد آورده ای لیک سوراخ نگام کرده ای احمدی نژاد! همه است و سومه کند، نیامده است که وصله کند! و یا با قبضه کردن درآمد نفتی، نان و گوشت و برنج و لوبیا و لپه و شیر و کره و پنیر ارزان (لااقل به همان قیمت زمان اول انقلاب) در سفره مردم بگذارد.

اگر فقیرتر فقراي شهرها و دهات به نامبرده رای داده اند به قول معروف: بین تعریف و تمجید از پی چیست! سلام روستایی بی طمع نیست. /

فقیر و فقرا آن چه می خواهند، سر به دنبالش می گذارند و در این راه طبق معمول هرچه بدهی، بیشتر می خواهند. کار به جایی می کشد که حکم به بازخواست و طلب "حق" می کنند- که باید بکنند- و حکومتی که ۲۷ سال با یک ساختار مذهبی و بسته و استبدادی با نیت چپاول، گذرانده نمی تواند چنین "تقسیم عادلانه" روفتی را هضم کند، مگر این که در یک حالت انفجاری بترکد و حکومت فرو بپاشد.

چند وقت پیش داستان ساده ای، ظاهرا برای بچه ها خواندم. قصه یک بادکنک کوچولو که کنار جوی آبی افتاده بود.

دست بر قضا گذار باد بازیگوش به این بادکنک افتاد. ازش پرسید: چپاولگران (است) نمی آید و به قول شاعر: ندانست که یک جا بود دام و دانه / به پای خود آمد به سلاخ خانه. /

کدام بادکنک دست و حسابی بشی! پرسید: چطور بزرگ و قشنگ میشم؟! باد گفت: من توی شکم تو میرم، اونوقت کنده میشی، چاق میشی و میتونی به هوا بری ولی باید قول بدی که منو توی شکم خودت حبس نکنی!

بادکنک قبول کرد و باد هم گفت: دهننت باز کن! باد آنقدر فوت کرد توی بادکنک که بزرگ و بزرگتر شد، گرد و قلمبه شد و ریخت جالبی پیدا کرد و وقتی خودش را توی نهر آب دید، خیلی خوشش آمد و دوباره دهانش را باز کرد که باد بخورد.

باد گفت: اوهو داری زیاد باد میکنی و جای من اون تو، خیلی تنگ شده، اگه همین طور باز هم باد بخوری، یکپه می ترکی!

بادکنک گفت: من میخوام از اینم بزرگتر بشم. باد گفت: نه دیگه بسه، زود دهننت باز کن که می خوام برم!

بادکنک گفت: نه نمیدارم بری! باد گفت: تو به من قول داده بودی که منو زندونی نکنی؟! اما بادکنک سرخشی و لجبازی کرد و هی باد خورد که خیلی بزرگ و گنده شد و یک دفعه صدائی مثل انفجار یک نارنجک بلند شد... و بادکنک بومی! ترکید و باد آزاد شد.

بیرون آوردن پول از حلقوم مافیای آخوندی و آقازاده ها و فرستادن سهم نفت به در خانه های مردم، از آن مقوله های است که به ریخت کسی که نامبرده نوکر بارگاه ولایت پناهی است (خود) رهبر نیز سرکرده این قافله چپاولگران (است) نمی آید و به قول شاعر: ندانست که یک جا بود دام و دانه / به پای خود آمد به سلاخ خانه. /

ولی پرودیوس در دو شعبه رسیدار و سیمی ولی SIMI VALLEY 1117 E. Los Angeles Ave (At First St.) 805-583-2300 Mon-Sat 9-8; Sun 9-6 RESEDA 18345 Vanouven (At Reseda Blvd.) 818-609-1955 Mon-Sat 9-7; Sun 9-5

Valley Produce Market advertisement with various vegetable and meat prices. Items include Celery, Broccoli Crowns, Cauliflower, Green Cabbage, Green Bell Pepper, Green Or Red Leaf, Tomato, American Eggplant, Key Lime, Bartlett Pears, Globe Grapes, Seeded Watermelon, Mushrooms, Monterey Jack Cheese, Pitted Kalamata Olives, Turkey Pastrami, Roast Beef, Tampico, Boneless Chicken Breast, Fresh Leg of Lamb, Fresh White Fish, Beef Fajita.

رستوران حاتم میشن ویهو (949)768 0122 24000 Alicia Parkway, #28

در دفتر ایام

معقول اقدامات پادشاه فقید است؟! یا می خواست بگوید ملتی که آنرا نمی پسندد ناگزیر به این روز می افتد؟! ...

غرق در این نوع افکار چشم به یادداشتی افتاد که شب قبل روی میزم گذاشته بودم تا بامداد روز بعد، یعنی امروز، درباره آن فکر و اندیشه ائی بکنم، مطالعه ای بکنم و مقوله ائی را برای مقاله ائی انتخاب کنم. یادداشتم کوتاه است:

مرداد ماه سرنوشت... پنجم مرداد درگذشت پادشاه فقید در غربتی سخت تلخ و غم انگیز... چهارده مرداد، سالروز پیروزی انقلاب مشروطیتی که بعد از نود سال به مشروعبیت تبدیل شد... ۲۸ مرداد، روز بوجود آمدن "تفاهق ملی" میان ملتی که تا آن روز تفاهق ملی را به یاد نداشت... حرف های تلقین کننده ناشناس را به عنوان جرقه ای که ذهنم را به کار انداخت تلقی می کنم.

امروز پنجم مرداد است. بیست و پنجمین سالروز درگذشت پادشاه فقید. در طول بیست و پنج سال گذشته، این همه سکوت و بی تفاوتی در مورد سالروز درگذشت پادشاه فقید سابقه نداشته است! هر سال برای برگزاری مراسم سالروز درگذشت، در همین شهر لس آنجلس، میان گروه های مختلف مسابقه در می گرفت.

شاهدخت اشرف پهلوی یک صفحه کیهان را به یادآوری غم انگیز خاطرات برادرش اختصاصی می داد و کارتر و سیاست آمریکا را محکوم می کرد.

در تمامی شهرهای ایرانی نشین جهان، اعلامیه های متعددی انتشار می یافت و مجالس گوناگونی برگزار می شد...

اسمال چه اتفاقی افتاده است!؟

این سکوت، آیا از فراموشی است؟! این بی تفاوتی آیا عکس العمل مستقیم کرداد و رفتار شاهزاده رضا پهلوی است؟! این بی خبری حکایت از آن دارد که کهنسالان قدیمی، به یاد دارندگان محمدرضا شاه پهلوی، در طول بیست و پنج سال گذشته یک یک چهره در نقاب خاک کشیده اند؟! این به معنی همان فراموشی ذهن انسان هاست که از آن به "فراموشی خاک" یاد می کنند!؟

روزهای سیاه سیاه

اوایل انقلاب، به نظر می رسید که من تنها روزنامه نگار حرفه ای خارج از کشور بودم... اما اینطور نبود. دیگرانی هم بودند که امروز نیستند... در آن روزها هیچکس جرات نداشت نام شاه، نام خانواده پهلوی را بر زبان آورد. همه، بزرگ و کوچک، خردو کلان چهره شاه را سیاه سیاه می دیدند! شاعر و نویسنده و روزنامه نگار و استاد دانشگاه و حتی امیران ارتش، شاه را چنان سیاه می دیدند که انگار از روز اول این مرد زاده شده بود تا نوکر چشم و گوش بسته "امپریالیسم غرب" باشد!

جرات نداشتی درباره اقدامات انسانی و بزرگ او حرفی بزنی. حتی قادر نبودی که بگویی او هر چه بود، بخشی از تاریخ مملکت ماست...

در همین آمریکا، دسته های چماقداران راه افتاده بود. نه فقط در دانشگاه ها که حتی در یکی دو نقطه معدودی که جمعی انگشت شمار از ایرانیانی که شتابزده از مملکت گریخته بودند، دور هم اجتماع می کردند و با ترس و لرز و بیم و امید از ماجراها و رویدادهای وحشتناک ایران سخن می گفتند...

روزهای سپید سپید!

یکی دو سالی که گذشت، همین که پادشاه فقید در غربت و آوارگی درگذشت، ناگهان تمامی آن سیاهی هائی که می گفتند و می نوشتند و

نقل می کردند، تبدیل شد به سپیدی مطلق! اگر یکی دو سال جلوتر کسی حتی نداشت نام پادشاه فقید را بر زبان و یا قلم آورد، حالا چه کسی قادر بود و جرات می کرد که بگوید "حیف شد شاه در برابر شورش کور کوتاه آمد..." حالا شاه شده بود، موجودی خدای گونه!

هیچکس به یاد نمی آورد که تا همین یک سال پیش در اطراف او چه حکایت های تلخی که روایت نمی کردند!

هیچکس نمی خواست آن روزهای سیاه سیاه را حتی به اشاره ائی یادآور شود...

شاه پاک بود. شاه منزه بود. شاه وطن پرست بود. شاه پدر ملت ایران بود.

شاه بزرگتر از آن بود که ملت کوچک ایران بتواند او را بشناسد! همان اندازه که حرف های آن روزهای سیاه سیاه، بی معنی، دور از منطق و خرد، دور از انصاف و مروت، دور از یک قضاوت پاک و بی غرض بود، جریمت مطلق این روزهای سپید نیز دور از یک برداشت صحیح و معقول و منطقی به حساب می آمد.

دکم گرائی بود! تعصب کور بود...! حکایت آن روزهای سیاه سیاه و قصه آن روزهای سپید سپید، حکایت همان ملتی بود که با یک مویز گرمی اشان می شود و با یک غوره سردی اشان!

قضاوت تاریخ

اما قصه پرغمه شاه فقید نه آن بود که در روزهای سیاه سیاه گفته می شد، نه آن تعصبی بود که در روزهای سپید سپید، با رگ های برافراشته گردن بر زبان جاری می شد... زمان لازم بود تا ایرانیان به ما چرا به طور مطلق ننگرند. قضیه را سپید یا سیاه سیاه نگاه نکنند...

زمان لازم بود تا از پس آن تاریکی های بی منطق و آن سپیدی های بی پایه و واهی یک قضاوت اصولی،

عادلانه و قابل قبول در محضر تاریخ از شاه ارائه شود. شاه فقید، نه سیاه سیاه بود، نه سپید سپید... نه قدسی قدسی بود، نه شیطانی شیطانی... نه او را بود و نه اهریمن... او قبل از آنکه پادشاه باشد، یک انسان بود. یک آدمیزاد مثل همه انسانها... مانند شش میلیارد انسان روی کره ارض... می توانید بگوئید که کدام انسانی است که یکسره نیکی باشد و کدام انسانی است که یکسره شر؟! ... است که در طول زندگی خود، دارای نکات ارزنده و مثبت و دارای نقاط ضعف متعدد نبوده باشد!؟

حالا هر چه انسان مقامی شایسته تر، والا تر، بزرگتر، سرنوشت سازتر داشته باشد بدیهی است که هم نکات ارزنده و مثبت او بیشتر به چشم می آید و هم نقاط ضعف او آسیب های فراوان تر وارد می کند...

"آرتور کریستن سن" مورخ دانمارکی وقتی نوشت:

"یک پادشاه واقعی در ایران پیش از آنکه پیشوای سیاسی باشد، یک آموزگار و یک رهبر است. او فقط سازنده جاده ها و سد ها و قنات ها نیست، بلکه کسی است که مردم را با روح و فکر و قلب خود رهبری می کند..."

حرف درستی است! به همین جهت هم هست که نیک و بد پادشاه فقید، در وسعتی بزرگ بر سرنوشت ملت ایران اثر گذار شد...

از میان همه خصلت های پادشاه، چه خوب و چه بد، یک خصلت ویژه او را دوست و دشمن، پذیرفته اند و آن این بود که دیوانه وار عاشق ایران بود و عاشقانه می خواست ملتش در رفیع ملت های بزرگ جهان قرار گیرد.

هدف مقدس بود. هیچ کس نمی تواند چنین هدفی را خرد شمارد و با آنرا جزو بلندپروازی های یک رهبر بگذارد. اما آیا برای رسیدن به هدف، هر وسیله ائی مجاز است؟! همین نکته

است که بر پیچیدگی ساختار شخصیتی پادشاه فقید می افزاید. این پیچیدگی نمونه های آشکار و روشن دارد. نمونه هائی مانند: خلیل ملکی، روشنفکر سوسیالیست ایرانی که جانب شاه را می گیرد در برابر شیخان، به زندان می افتد و پایان عمرش را در تباهی می گذراند و پرویز نیکخواه که قصد جان شاه را می کند، ارج می بیند و بر صدر می نشیند. اگر این پیچیدگی ساختار شخصیتی پادشاه فقید نیست، پس چیست!؟

نمونه ها فراوان هستند و شایان ذکر:

چگونه می شود پادشاهی که عاشق ملتش بود، در سال های پایانی سلطنت، تمامی ریشه های پیوند خود را با مردم قطع می کند؟! از حال و روز و طرز تفکر آنها بی خبر می ماند!؟

چگونه می شود پادشاهی که در عاقل ملتش بود، در سال های پایانی سلطنت، تمامی ریشه های پیوند خود را با مردم قطع می کند؟! از حال و روز و طرز تفکر آنها بی خبر می ماند!؟

چگونه می شود پادشاهی که در اوایل سلطنت، مامورینش به مردم تعلیم می دادند که شاه دوست ندارد کسی روی پای او بیفتد و یا دستش را بوسد، در سال های پایانی سلطنت حاضر نبود در رو به گزارش وزیر کابینه گوش کند و در تمام مدتی که وزیری گزارش کار می داد، پشت به او رو به باغ بزرگش می ایستاد...!؟ تا این پیچیدگی های ساختار شخصیتی پادشاه را نشناسیم، نمی توانیم قضاوت درستی در حق او داشته باشیم. اما شناخت شخصیت او، کار محقق است. کار روزنامه نگار نیست.

روزنامه نگار باید بیسرد چه پیش آمده است که امسال، بیست و پنجمین سالروز درگذشت او، با سکوتی آشکارا برگزار می شود!؟

همین سؤال روزنامه نگار، مردم فرزانه را می تواند به اندیشه های گوناگون بکشانند وگرنه درباره بد و خوب شاه فقید، سرانجام تاریخ قضاوت قاضی عادل است...

بحث را فردا پی خواهیم گرفت.

این دنیای گرسنه

اما بر فراز همه اینها باید به یاد داشت که می توان از راه مبارزه با اسراف و زیاده پاشی به کمک گرسنگان و فقرا جهان پرداخت. در اسلام اسراف و تبذیر سخت مورد ملامت است.

در قرآن مجید آیات متعددی در سرزنش از اسراف کنندگان آمده است. در بخشی از آیه ۱۵۱ سوره انعام خداوند پس از آنکه از آفرینش باغ های گوناگون و میوه های رنگارنگ سخن می گوید به بندگان توصیه می فرماید که از این نعمات استفاده کنید ولی از اسراف پرهیزید. زیرا که: آنه لا یحب المسرفین.

همچنان است آیه ۳۱ از سوره اعراف که شیخ در حکایت گلستان به آن تمثل جسته بود که: کلوا و اشربوا و لا تسرفوا انه لا یحب المسرفین (بخورید و یاشامید و اسراف مکنید که خدا اسراف کنندگان را دوست نمی دارد)

شگفت آنکه گوش های ناشنوای مصرف کنندگان این دستور خداوندی را نشنیده گرفته و این بیت را از سر استهزا ساخته اند:

کلوا و اشربوا را تو در گوش کن و لا تسرفوا، را فراموش کن

این دستورات خدایی برای رعایت حد اعتدال اگر مال قرن ها پیش است لازم است به یاد بیآوریم که در همین سال ها نهضت محدود ساختن مصرف و جلوگیری از اسراف و تبذیر در بسیاری از کشورهای جهان خود را باز کرده است.

به این جهت به اعتقاد این بنده مبارزه با گرسنگی جزا از طریق مبارزه با اسراف میسر نیست. اسراف در همه چیز از مصرف آب گرفته تا مصرف غذاهائی که می تواند گرسنگان جهان را سیر کند.



پنیر صدف بدون هورمون و کلسترول و بدون نمک فرآورده ای از شرکت صدف



پنیر بدون کلسترول

از هزاران سال قبل پنیر فتا (Feta Cheese) محصور کشور افسانه ای یونان به دلیل طعم بی نظیر و خواص تغذیه ای منحصر به فرد خود مورد توجه جوامع مختلف بوده است. تولید و مصرف این فرآورده غذایی به نحو چشمگیری ریشه در فرهنگ اصیل این کشور دارد و برخی قدمت آن را با خود فرهنگ یونانی قابل مقایسه می دانند.

محصول جدید:

پنیر فتا در ابتدا منحصر از شیر بز و گوسفند تهیه می شده است. به هر حال امروزه پایای با پیشرفت تکنولوژی در صنایع غذایی از یک سو از شیر گاو نیز برای تهیه آن استفاده می شود و از نظر میزان و نوع چربی اصلا می شود تا نیازمندی های تغذیه ای جوامع امروزی را تامین نماید.

پنیر فتای بدون کلسترول همانگونه که از نام آن پیداست فاقد کلسترول بوده و از این نظر بسیار مورد توجه کارشناسان پزشکی و امور تغذیه ای قرار گرفته است. این پنیر کاملا طبیعی و بدون هورمون بوده و از نظر خواص تغذیه ای کاملا با دیگر انواع پنیر فتا قابل مقایسه است.

به هر حال فقدان کلسترول در آن موجب می شود که مبتلایان به بیماری های قلبی- عروقی یا افراد در معرض خطر این بیماری ها نیز بتوانند از خواص تغذیه ای آن بهره مند شوند.

در فرآیند تولید این پنیر بی همتا با استفاده از روش های جدید تکنولوژیک چربی های حیوانی حاوی کلسترول از پنیر گرفته شده و در عوض چربی های گیاهی به آن افزوده می شود. از این طریق ضمن حفظ طعم پنیر از مضرات احتمالی مصرف کلسترول جلوگیری می شود.

با توجه به این حقایق سازمان غذا و داروی آمریکا (FDA) برای اولین بار اجازه واردات این پنیر را از یونان به آمریکا صادر نموده است. پنیر فتای بدون کلسترول علاوه بر آن که می تواند به تنهایی مورد مصرف تمام گروه های سنی قرار گیرد به نحو گسترده ای به غذاهای دیگر از جمله انواع سالادها، پیترز و پاستا افزوده می شود.



انتخاب صدف، انتخاب بهترین هاست

و افتخار ما، اعتماد ۲۲ ساله شما به محصولات صدف بعنوان بهترین هاست



EXPERT AUTO BODY CENTER

بعد از تصادف نگران نباشید!

متخصصین برجسته ما اتومبیل شما را مثل روز اول تحویلتان خواهند داد

مزایای استثنایی مراجع به اتوبادی سنتر

در صورت داشتن بیمه کامل اتومبیل رایگان
در اختیارتان میگذاریم ، اتومبیل شما مجاناً
از محل تصادف به تعمیرگاه انتقال می‌یابد ،
تخصیص مخصوص برای هموطنان عزیز

کارگاههای ما به اطاق رنگ با امکانات ویژه فنی و
دستگاههای کامپیوتری برای شاسی کشی مجهز است

EXPERT AUTO BODY CENTRE
Tel: (818) 786 - 8400
Fax: (818) 786 - 5218
14326 Oxnard St. Van Nuys CA91401

مرکز خدمات گالکسی

امور مهاجرت ، اقامت ، سیتیزن شپ و پاسپورت سفید
گذرنامه و شناسنامه ایرانی، واکاننامه و ویتنام
دعوتنامه ، تصدیق امضا و شهادتنامه
ترجمه رسمی و تأیید اسناد و مدارک

تلفن : ۰۰۹۹-۹۰۶-۹۱۸ (۸۱۸)
فکس : ۵۹۵۴-۷۸۴-۹۱۸ (۸۱۸)

15928 Ventura Blvd, # 201-Encino, CA91436

آرتریا مارکت

مرکز پیش گوشت حلال ، مواد غذایی

2322 ARTESIA BLVD
Redondo Beach, CA 90278
(310) 376-0043

فروش

کلیه لوازم منزل برای فروش

(310)859-8035

پرده مولن روژ

زیباترین پرده‌ها با ارزاترین قیمت
دوخت و نصب پرده، روتختی، کوسن
و تعمیر انواع لباس

818-633-4383

شعبات شیرینی سرا در سی آنجلس

سفرشات شمارا
برای تهیه انواع شیرینیجات
جهت جشنها، عروسی‌ها
و... میپزیرد.

رسیدا	انسنینو	سانتامونیکا بلوار
(818)996-5104 6900 Reseda Blvd	(818) 757-1248 18000 Ventura Blvd	(310)207-7120 12231 Santa Monica Blvd

استخدام

به تعدادی فروشنده جوان فعال ،
آشنا به زبان انگلیسی برای
همکاری در زمینه فروشندگی و
شوروم در تمامی نقاط لس آنجلس
با حقوق و کمیسیون نیازمندیم

(818)534-3400#104

استخدام

یک کمپانی واردکننده مبلان در منطقه
ولی نیاز به یک بانوی منشی که تسلط
کامل به زبان انگلیسی و انجام امور
کامپیوتری داشته باشد، دارد

(818)۹۹۹-۰۰۲۶

سوپر ارواین

949-552-8844
Heritage Square/ Behind Denny Rest
14120 Culver Dr. Suite
B.C.D Irvine CA 92714

ASRE EMROOZ

www.asreemrooz.com

Q Market

انواع غذاهای ایرانی خانگی، گوشت، مرغ و موجودا دست

عرضه کننده تازه ترین مواد غذایی و خواروبار، گوشت،
مرغ و ماهی با قیمت های باورنکردنی و غیر قابل رقابت

کیومارکت "درزیریک سقف"

هر آنچه نیاز دارید گرد آورده است

انواع غذاهای آماده طبخ موجودا دست
فوداستمپ و کردیت کارت پذیرفته میشود

17261 Vanowen St.
(818)345-4251

استخدام

در منطقه سانتامونیکا دریک آپارتمان یک
خواه به رومیت نیازمند

۱۵۳۱-۴۳۰-۳۱۰

اجاره آپارتمان

با برق و گاز رایگان
آپارتمان های زیبا و لوکس در
بهترین منطقه هانورن
یک خوابه با اجاق و یخچال،
پارکینگ دردار و استخر و
دستگاه های رختشویی مدرن

۹۹ دلار دپازیت

قیمت ماهیانه ۱۰۵۰ دلار
برای صدق این گفتار ما ، از این
آپارتمان ها دیدن کنید

۶۳۱۰ - ۶۴۴ - (۳۱۰)

دفتر برای اجاره

یک آفیس در بهترین منطقه وودلند هیلز
(روبروی وولند هیلز مارکت) به مساحت ۸۵۰
اسورفیت به اجاره و اگادار میشود

(818)۵۸۵-۸۲۳۲

استخدام

به تعدادی فروشنده جوان فعال ،
آشنا به زبان انگلیسی برای
همکاری در زمینه فروشندگی و
شوروم در تمامی نقاط لس آنجلس
با حقوق و کمیسیون نیازمندیم

(818)534-3400#104

فروش وسایل آرایشگاه

تمام وسائل آرایشگاه نظیر میز
مانیکور، استیشن با کاندیشن
خوب بفروش میرسد

(818) ۶۲۱-۷۲۷۳

استخدام

یک کمپانی واردکننده مبلان در منطقه
ولی نیاز به یک بانوی منشی که تسلط
کامل به زبان انگلیسی و انجام امور
کامپیوتری داشته باشد، دارد

(818)۹۹۹-۰۰۲۶

سوپر ارواین

949-552-8844
Heritage Square/ Behind Denny Rest
14120 Culver Dr. Suite
B.C.D Irvine CA 92714

ASRE EMROOZ

www.asreemrooz.com

بوسه تقدیر

پیروز خودرواش را کنار در منزل متوقف کرد و در حالی که به طرف من
برمیگشت گفت: «خوب رسیدیم. به من که خیلی خوش گذشت. می‌خواهی بدویی
چرا؟»
سرم را به نشانه سؤل ال تکاک دادم. پیروز ادامه داد: «چرا می‌آی آن را بعد به تو
می‌گویم اما همین قدر می‌خواهم بدویی که حضور تو در این خوشی بی تأثیر نبود.»
کلام غیرمنتظره‌اش باعث شد تا از دهانم ببرد پگویم: «حضور من؟»
پیروز به لبخند به من نگاه کرد و سرش را تکان داد. دوست داشتم در خودرو
را باز می‌کردم و خود را از زیر بار نگاهش خلاص می‌کردم. دستم را به طرف در
بردم اما متوجه شدم قفل است. پیروز همچنان با لبخند نگاهم می‌کرد. وقتی
متوجه شدم تا او قفل را باز نکند نمی‌توانم از خودرواش خارج شوم. بی حرکت
نشستم و سرم را به زیر انداختم. صدای او را شنیدم که گفت: «متکلی می‌تویم یک
چیزی ازت بپرسم.»
به او نگاه کردم و سرم را به نشانه تأیید تکان دادم.
دوست دارم بهم بگویی در باره من منظور فکر می‌کنی؟»
به نظرم سؤل منسخنی بود. به راستی نمی‌دانستم چه پاسخی بدهم زیرا دیگر
به او فکر نمی‌کردم. یعنی از وقتی که به شهاب علاقه مند شده بودم نسبت به او
توجهی نداشتیم اما نتوانستیم این را رکنو هر بیخ به او بگویم. همان طور که در فکر
بودم صدای او مرا به خود آورد. بدون اینکه سرم را بلند کنم صدایش را شنیدم که
گفت: «خوب! اگر پاسخ این سؤل مرا بیست سخت است از آن بگذر فقط به من بگو
می‌توانی مرا دوست داشته باشی.»
احساس کردم پارچ آب یخی به سرم ریخته شد. شاید اثر این سؤل در چند
ماه قبل از من پرسیده بود می‌توانستم پاسخش را به صراحت بدهم اما آن لحظه
تمام فکر من یک چیز بود و آن اینکه از خودروی او خارج شوم و از آنجا فرار
کنم. یک لحظه به فکر رسید شاید پیروز سرم سرم می‌گذارد و از سادگی من
استفاده کرده و قصد او بت کردنم را دارد. سرم را بلند کردم و مانند انسان کشتگی
به او نگاه کردم اما او نلخندی به من زد و با لحن شوخی گفت: «مغرت را برای

فروش مغازه ۹۹ سنتی

یک مغازه ۹۹ سنتی در یک شاپینگ
سنتر شلوغ در نورت هالیوود به مبلغ
۵۹ هزار دلار با کلیه وسایل به فروش
می‌رسد.

(818) ۹۹۳-۵۴۵۵

دفتر برای اجاره

یک آفیس در بهترین منطقه وودلند هیلز
(روبروی وولند هیلز مارکت) به مساحت ۸۵۰
اسورفیت به اجاره و اگادار میشود

(818)۵۸۵-۸۲۳۲

استخدام

به تعدادی فروشنده جوان فعال ،
آشنا به زبان انگلیسی برای
همکاری در زمینه فروشندگی و
شوروم در تمامی نقاط لس آنجلس
با حقوق و کمیسیون نیازمندیم

(818)534-3400#104

فروش وسایل آرایشگاه

تمام وسائل آرایشگاه نظیر میز
مانیکور، استیشن با کاندیشن
خوب بفروش میرسد

(818) ۶۲۱-۷۲۷۳

استخدام

یک کمپانی واردکننده مبلان در منطقه
ولی نیاز به یک بانوی منشی که تسلط
کامل به زبان انگلیسی و انجام امور
کامپیوتری داشته باشد، دارد

(818)۹۹۹-۰۰۲۶

سوپر ارواین

949-552-8844
Heritage Square/ Behind Denny Rest
14120 Culver Dr. Suite
B.C.D Irvine CA 92714

ASRE EMROOZ

www.asreemrooz.com

پیروز خودرواش را کنار در منزل متوقف کرد و در حالی که به طرف من
برمیگشت گفت: «خوب رسیدیم. به من که خیلی خوش گذشت. می‌خواهی بدویی
چرا؟»
سرم را به نشانه سؤل ال تکاک دادم. پیروز ادامه داد: «چرا می‌آی آن را بعد به تو
می‌گویم اما همین قدر می‌خواهم بدویی که حضور تو در این خوشی بی تأثیر نبود.»
کلام غیرمنتظره‌اش باعث شد تا از دهانم ببرد پگویم: «حضور من؟»
پیروز به لبخند به من نگاه کرد و سرش را تکان داد. دوست داشتم در خودرو
را باز می‌کردم و خود را از زیر بار نگاهش خلاص می‌کردم. دستم را به طرف در
بردم اما متوجه شدم قفل است. پیروز همچنان با لبخند نگاهم می‌کرد. وقتی
متوجه شدم تا او قفل را باز نکند نمی‌توانم از خودرواش خارج شوم. بی حرکت
نشستم و سرم را به زیر انداختم. صدای او را شنیدم که گفت: «متکلی می‌تویم یک
چیزی ازت بپرسم.»
به او نگاه کردم و سرم را به نشانه تأیید تکان دادم.
دوست دارم بهم بگویی در باره من منظور فکر می‌کنی؟»
به نظرم سؤل منسخنی بود. به راستی نمی‌دانستم چه پاسخی بدهم زیرا دیگر
به او فکر نمی‌کردم. یعنی از وقتی که به شهاب علاقه مند شده بودم نسبت به او
توجهی نداشتیم اما نتوانستیم این را رکنو هر بیخ به او بگویم. همان طور که در فکر
بودم صدای او مرا به خود آورد. بدون اینکه سرم را بلند کنم صدایش را شنیدم که
گفت: «خوب! اگر پاسخ این سؤل مرا بیست سخت است از آن بگذر فقط به من بگو
می‌توانی مرا دوست داشته باشی.»
احساس کردم پارچ آب یخی به سرم ریخته شد. شاید اثر این سؤل در چند
ماه قبل از من پرسیده بود می‌توانستم پاسخش را به صراحت بدهم اما آن لحظه
تمام فکر من یک چیز بود و آن اینکه از خودروی او خارج شوم و از آنجا فرار
کنم. یک لحظه به فکر رسید شاید پیروز سرم سرم می‌گذارد و از سادگی من
استفاده کرده و قصد او بت کردنم را دارد. سرم را بلند کردم و مانند انسان کشتگی
به او نگاه کردم اما او نلخندی به من زد و با لحن شوخی گفت: «مغرت را برای

اینکه معنی حرفم را ترک کنی خسته نکن. معنی کلامم خیلی واضحه. به نظرت
اینطور نیست؟»
سپس مکثی کرد و ادامه داد: «از خبئی وقت پیش تصمیم به از دواج داشتم اما
هر دفعه این کار رو به وقت دیگه‌ای می‌انداختم اما با حضور در جشن امشب
تصمیم گرفتم قبل از اینکه سنم بیشتر از این بالا بره از دواج کنم اما قبل از آن باید
ببینم پدرت با از دواج دخترش با مری که هفده سال از او بزرگتر می‌آید موافقت
می‌کند یا نه.»
نمی‌دانستم باید چه واکنشی نشان بدهم. چند لحظه بعد بدون گفتن کلامی با
دستانم لوزان دستگیره اتومبیل را گرفتم و آن را کشیدم. در با صدای نرمی باز شد
و من با پاهایی بی‌حس از آن خارج شدم. پیروز هم از اتومبیل خارج شد و رنگ
در منزل را به صدا درآورد. بعد از اینکه در منزل باز شد حتی نتوانستم با او
خدا حافظی کنم. شاید همین کلام را گفتم اما صدایی از گلویم خارج نشد و
به گوش پیروز هم رسید. اما صدای پیروز را شنیدم که می‌گفت: «خدا حافظ.
خوب بخواب.»
در کورچه توسط او سفته شد و من مانند خواب‌گردی به طرف اتاقم رفتم.
پردیس هنوز نیامده بود. به طرف آینه و قتم و روسری از آن سرم برداشتم. چهره‌ام
آفتاب وادفته و بی‌رنگ و بود که گویی از سرداب مرگ برخاسته بودم.
به تصویر خودم در آینه خیره شدم و تکه‌های مائو را پکنی پکنی باز کردم و بعد
از تعویض لباس و باز کردن موهایم از شو گرهای سفت و محکم کش به طرف
رختخوابم رفتم و در حالی که روی آن دراز می‌کشیدم به فکر معنی صحبت‌های
پیروز بودم. معنی کلام پیروز به نظر خودش خیلی واضح بود اما درک آن برای من
خبئی دشوار و نور از ذهن بود. نمی‌دانستم آیا او با من شوخی کرده یا کلامی
جدی در قالب طعنه به زبان آورده بود. آخرین کلام او در گوشم زنگ می‌زد: باید
ببینم پدرت با از دواج دخترش با مری که هفده سال از او بزرگتر است موافقت
می‌کند یا نه؟»
پاسخ آن مثل روزی برابم مشخص بود و احتیاجی نبود حتی در آن شک کنم.

پیروز کسی بود که پدر و عمو آرزو داشتند او دامادشان باشد. از دواج با پیروز از
بزرگترین فرصت‌هایی بود که برای دختری موجود می‌آمد. پیروز هم در این
منشی که دو ایران بود شان داده بود که پانزده سال دوری از وطن تغییر در منشی
و اخلاقی ذاتی او ندهد است و جز خصیصه خوشگذردانی عیب دیگری نداشت که
این عیب هم به نظر خیلی‌ها جزوی محاسنش به شمار می‌رفت.
صدای زنگ منزل باعث شد از رختخواب بیرون بیایم. حاس منم در پردیس
بود که از گشت شبانه برگشته بود. در اتاقم را باز کردم اما از آن خارج نشدم چون
قبل از من مادر از طبقه پایین فرار کرده بود. حاسم در سمت بود پردیس بود که
به همراه سرش و سینا و همسرش و خواهر همسرش به منزل برگشته بودند. در
اتاق را بستم و به طرف پنجره اتاق رفتم و چشم نه سیاهی شب دوختم. دوست
داشتم با کسی صحبت کنم. کسی که بتواند درکم کند و از روی مصلحت‌اندیشی
سخن نگوید. پیروز همانطور که برای تمام خانواده محترم بود برای من هم
ارزش داشت. نظرم در مورد او به نبود. او مرد خودصنعتی بود که می‌توانست
تکیه‌گاه محکمی باشد مری که عقل و ثروت را با هم داشت. نمی‌خواستم خود
را گول بزنم دوست داشتم با خودم روبراست بودم. من حتی او را دوست داشتم اما
نه به عنوان یک همسر. پیروز زمانی در روای من بود و رسیدن به او از آرزوهای
مجمالی بود که از نرس مورد تمسخر قرار گرفتن خودی آن را در دفتر خاطراتم که
سگ صبور بودم یاد نوشته بودم. من پیروز را دوست داشتم اما این مربوط به زمانی
بود که احساس دختر تازه‌مانی در حال شکل گرفتن بود و شاید اگر هرکس
دیگری به جای پیروز بود من نسبت به او همین احساس را داشتم. زمانی که قلبم
متعلق به خودم بود نه حالا که قلبم در گرو محبت شهاب بود. به خاطر آوردن
شهاب گویی امید نازای به کالبد. خستام دیده‌ام. من او را می‌پرستیدم و او هم
مرا دوست داشت و همین مرا به این امیدوار می‌کرد که هیچ چیز نمی‌تواند بیوند
قلبی ما را از هم جدا کند.

خبئی طول کشید تا پردیس به اتاق بیاید و در این مدت من توانسته بودم
جلی فکر کنم. اما به نتیجه‌ای که می‌خواستم نرسیدم.

ادامه دارد

ادامه دارد

ROLLOVER® - THE BEST DEAL IN WIRELESS

CINGULAR NAMED "2005 CARRIER OF THE YEAR" BY WIRELESS WEEK

 **cingular**
raising the bar
Authorized Dealer

MOTOROLA V220

SONY ERICSSON S710a



VIDEO CAMERA PHONE
REAL MUSIC RINGTONES

ONLY FROM CINGULAR

Roll over your unused Anytime Minutes, so you're protected from overage charges.

Your anytime minutes Rollover® On Cingular GSM Nation plans \$39.99 and higher

Rollover® does not apply to Mobile-to-Mobile or Night & Weekend minutes



CAMERA PHONE
AOL® INSTANT MESSENGER™



*Cingular also imposes monthly a Regulatory Cost Recovery Fee of up to \$1.25 to help defray costs incurred in complying with State and Federal telecom regulation; a gross receipts surcharge; and State and Federal Universal Service charges. These are not taxes or government-required charges.

Limited-time offer expires 7/31/05. Other conditions and restrictions apply. See contract and rate plan brochure for details. Up to \$36 activation fee applies. Phone price and availability may vary by market. Sales tax calculated based on price of unactivated phone. Early Termination Fee: None if cancelled in first 30 days; thereafter, \$150. In addition to the \$150 early termination fee, the Cingular authorized agent running this ad also imposes an equipment charge of \$200 if service is cancelled more than 30 but less than 180 days after activation. Billing: Usage rounded up to the next full minute or kilobyte, at the end of each call or data session, for billing purposes. Cingular Nation: Cingular reserves the right to terminate your service if less than 50% of your usage over three consecutive billing cycles is on Cingular-owned systems. Customer must (1) use phone programmed with Cingular Wireless' preferred roaming database; (2) have a mailing address and live in the area in which subscription is made. Allover: Coverage not available in all areas. See coverage map at stores for details. More bars claim compares Cingular's network before to after merger. Nights and Weekends: 9 pm to 6 am Mon - Fri; weekends 9 pm Fri to 6 am Mon. Rollover Minutes: Unused Anytime Minutes expire after the 12th billing period. Night and Weekend and Mobile to Mobile Minutes do not roll over. Unlimited nationwide mobile to mobile available with plans starting at \$39.99 with one year agreement. AOL, Buddy List, the triangle design and the running man logo are registered trademarks of America Online, Inc. Instant Messenger is a trademark of America Online, Inc. ©2005 Cingular Wireless. All rights reserved.



بازتاب شکست فوتبال ایران در انگلستان



واکنش ها نسبت به سفر تیم ملی فوتبال ایران به لندن همچنان ادامه دارد. باخت ۳ بر صفر مقابل تیم دسته اولی کوئینز پارک رنجرز نگاهی بیشتری را متوجه تیم کشورمان کرد. نبود چند بازیکن شاغل در باشگاههای اروپایی بهترین بهانه برای کادرفنی تیم ملی در قبال پرسش های مطرح شده پس از این شکست بود اما آیا این توجیه مناسبی برای فرار از واقعیت هاست؟

دیروز یک نشریه انگلیسی حتی پا را فراتر نهاد و برگزاری اردوی تیم ملی را با این شرایط زیر سؤال برد. ورزشی نویسی سرشناس هفته نامه ساندی تایمز چاپ لندن در تحلیلی از دیدار دوستانه تیم ملی ایران با تیم کوئینز پارک رنجرز به انتقاد از عدم حضور لژیونرهای ملی پوش ایران در این مسابقه و اردوی دو هفته ای در لندن پرداخته است.

برای آن گنویل می نویسد: آیا این سفر واقعاً ضروری بود؟ آیا واقعاً برای ایرانیان ارزش داشت که تیم ذخیره خود را این همه راه تا غرب لندن بیاورند و در شرایطی که ستاره های آنان در اردوهای پیش فصل خود در باشگاههای حاضر در پوندس لیگا هستند بازی تدارکاتی انجام دهند؟ نویسنده می افزاید: غیبت نفراتی چون مهدی مهدوی کیا زنده گل دوم تیم ملی کشورش به آمریکا در جام جهانی ۹۸ فرانسه با پنج سال سابقه حضور در هامبورگ، علی دایی گلزن ۳۶ ساله و علی کریمی که به بایرن مونیخ پیوسته است در دیدار مقابل کوئینز پارک رنجرز کاملاً محسوس بود.

گلنویل در بخش دیگری از گزارش خود به نکته ای اشاره می کند که شاید برای همه ایرانیان جالب توجه باشد: پیروزی ۳ بر صفر QPR در شرایطی به دست آمد که ایان هالووی سرمربی این تیم دسته اولی نیز بیش از نیمی از یاران اصلی خود را در اختیار نداشت و از چند بازیکن ذخیره و حتی آزمایشی استفاده می کرد. وین هندرسن سنگربان کوئینز پارک رنجرز که در نیمه نخست به خوبی تلاش های کاظمیان و برهانی را خنثی کرده بود هنوز به این باشگاه نپیوسته است و همانند چند نفر دیگر مراحل آزمایشی را می گذراند. طعم فوتبال انگلیسی

نشریه آیندپیندنت آن ساندی در آخرین شماره خود به بازی تیم ملی ایران و باشگاه دست اولی کوئینز پارک رنجرز پرداخت. آیندپیندنت نوشت: بازیکنان ایرانی که تشویق های فراوان و پر سر و صدای

تصویر زندگی ایرانی

آزاد را به غرب لندن آورده بودند. فریاد ها و تشویق های بی امان چند هزار ایرانی می تواند به انگلیسی ها نشان دهد که فضای ورزشگاه آزادی تهران مملو از ۱۵۰ هزار جمعیت طرفدار تیم ملی ایران چگونه باید باشد. (نشریات انگلیسی طی روزهای اخیر گنجایش ورزشگاه آزادی را ۱۵۰ هزار نفر اعلام کرده اند در صورتی که حداکثر گنجایش این ورزشگاه یکصد هزار نفر است.) این نشریه هم به غیبت بازیکنانی نظیر علی کریمی مارادونای آسیا و علی دایی برترین گلزن ملی جهان اشاره کرده است. آیزور در گزارش ویژه خود برگزاری احتمالی بازی میان تیم های کریستال پالاسی و ایران در روز چهارشنبه هفته جاری را دور از ذهن ندانست و تأکید کرد گفت وگوها میان طرفین ادامه دارد. جالب اینکه روابط عمومی فدراسیون فوتبال ضمن اظهار بی خبری از هرگونه مذاکره ای فقط اعلام کرد بازی بعدی تیم ملی طبق برنامه در روز شنبه آینده مقابل میلوال خواهد بود.

چنانچه! اگر بازی با تیم ملی ایران در روز چهارشنبه هفته نامه انگلیسی بود که گزارش ویژه ای از حضور ایران در لندن منتشر کرد. نویسنده آیزور در ابتدای گزارش خود آورده است: اگر چه تیم ملی فوتبال ایران به سختی از تیم کوئینز پارک رنجرز شکست خورد ولی با وجود تردید های اولیه، دست کم ایرانی ها از عزمیت به لندن و بازی با تیم های انگلیسی پشیمان نیستند. نویسنده مقاله در ادامه به عزم و اراده ایرانیان برای تشکیل اردو در لندن اشاره کرد و افزود: اتفاقات اخیر خللی در برنامه های آنها به وجود نیاورد.

آیزور همچنین نوشت: ایرانی ها چه در خارج از لافتس رود ورزشگاه اختصاصی کوئینز پارک رنجرز و چه در داخل استادیوم با فریاد ها، تشویق ها، دیده بوسی ها و بگو بگو خنودگی خود تصویری از زندگی

برای هر پست و هر بازیکنی می توان یک جانشین پیدا کرد، اما برای دروازه بان های ایرانی این کار خیلی سخت است. مثل یک پازل بزرگ که چند تکه آن کم شده است و نمی توان این قطعات گمشده را به آسانی پیدا کرد. اتفاق ناگوار از همان جایی شروع شد که پای دروازه بان های خارجی به ایران باز شد و جای جوان ها را گرفتند. نگاهی کوتاه به این مسئله نشان می دهد که مهمترین ضعف فوتبال ایران درون دروازه است. ذوب آهن بعد از رفتن آرمناک پطروسیان نمی تواند یک گزینه مناسب و مطمئن پیدا کند. استقلال اهواز بعد از یک سال ناامیدکننده دوباره به ستاره جوان خود خالد شیطاوی رو می آورد که در سال قبل می توانست پدیده لیگ باشد. یگانه گیلان در حالی که دروازه بان های جوان خود را کنار گذاشت طی یک سال و نیم سه دروازه بان یوکسلا آورده است، ماکسیچ، رادیویچ و حالا هم ساشا ایلیچ. صوابتری بدون یک دروازه بان مطمئن فصل را تمام کرد و هنوز

قلعه نویی: فصل قهرمانی استقلال فرارسیده است

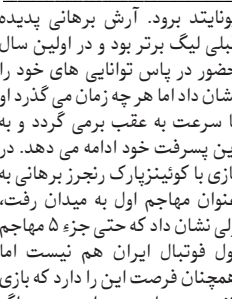


سرمربی تیم فوتبال استقلال تهران تنها پس از دو روز از شروع دور جدید تمرینات تیمش گفت: استقلال فصل آینده در لیگ برتر قهرمان خواهد شد. وی افزود: بازیکنان من در دو سال گذشته تلاش فراوانی به خرج دادند ولی به نتیجه دلخواه نرسیدند اما امسال زمان قهرمانی استقلال است و فصل خاطرنشان کرد: نرفت مورد نظری جذب تیم شده اند و پس از جدایی فرملکیان، داود حدادوست و مهدی شیرینی تا پایان هفته سه بازیکن دیگر نیز از فهرست تیم خارج خواهند شد.

هیشکی نمیتونه اینجوری گل خراب کنه



تا دلتان بخواهد فرصت های مناسب گل را از دست می دهد، درست مثل روزهایی که در پاس این فرصت ها را خراب می کرد، اما در نهایت آرزو می کند تا به بارسلونا، رئال مادرید یا منچستر



یونایتد برود. آرش برهانی پدیده قبلی لیگ برتر بود و در اولین سال حضور در پاس توانایی های خود را نشان داد اما هر چه زمان می گذرد او با سرعت به عقب برمی گردد و به این پرسرفت خود ادامه می دهد. در بازی با کوئینز پارک رنجرز برهانی به عنوان مهاجم اول به میدان رفت، ولی نشان داد که حتی جزء ۵ مهاجم اول فوتبال ایران هم نیست اما همچنان فرصت این را دارد که بازی کند و حوصله همه را سر ببرد. اگر قرار است با این استعداد راهی تیم های بزرگ دنیا شد، باید از امروز بدینم و منتظر ستاره جدیدی باشم که جای برهانی را بگیرد. برانکو می گوید که این بازی برایشان تجربه خوبی است، اما در کنار همین تجربه اندوزی به شناخت دیگری هم می توان دست یافت اینکه باید به مهاجمان دیگر که استیل و خصوصیات مشابه او را دارند فرصت بازی داد. برهانی در چرخه تکرار خود، باعث شد تا تیم ملی ایران در بازی شنبه عصر دو موقعیت گل را از دست بدهد، در حالی که تیم های بزرگ از هر موقعیتی نهایت استفاده را می برند. برهانی همان کاری را انجام داد که در پاس دیده بان. با این شیوه و این مهاجم کم دقت، امید کمتری به گل زدن داریم.

Mohab Ahbali www.FotoSana.com

پاس بی سروردا و آرام پیش می آید. آنها فصل قبل در زمان نقل و انتقالات سروردا زیادی به پا کردند اما همه چیز به ضررشان تمام شد. امسال سیاست دیگری را در پیش گرفته اند و امیدوار هستند که لیست دینزلی بدون هیچ جنجالی کامل شود و خودشان را برای فصل جدید آماده کنند. پاس تا امروز فقط جواد شیرزاد (ملوان) و بیژن کوشکی (ابومسلم) را گرفته است و سه جای خالی دیگر که در حقیقت سه نقطه حیاتی استخوانبندی تیمشان را شامل می شود باید با سه خرید خوب پر کنند. اما همه این سکوت و آرامش نشانه اطمینان آنها نیست، بلکه نگرانی های بزرگ آنها را نیز نمی تواند نادیده گرفت. فصل آینده

دکتر طناز کاهن

جراح و متخصص زنان، زایمان و نازایی از دانشگاه شیکاگو
کلیه سرویس های پزشکی شامل آزمایش خون، آزمایش پوکی استخوان و جراحی های سرپایی در مطب انجام می شود
تلفن: ۶۷۷۵-۵۰۱-۸۱۸
آدرس: ۱۳۳۱۱ ونچورا بلوار، سوئیت ۱۰۸۰

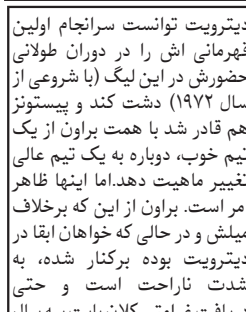
پازل گمشده دروازه بان ها

هم به دنبال یک شماره یک واقعی است. فولاد اگر میرزاپور را از دست بدهد، هنوز مطمئن نیست که فصل جاری بتواند شماره یک باشد. پرسپولیس به رغم داشتن محمد محمدی همین تردیدها را دارد. پیکان می داند اگر واعظی برود، دیگر دروازه بان مناسب پیدا نمی کند. این داستان همچنان ادامه دارد، دروازه بان ها هر روز ضعیف تر می شوند و روی آوردن به دروازه بان های خارجی شدیدتر. شنبه نتیجه این اهمال را در تیم ملی دیدیم.

Shir International
Maqbil Bangali & Son's Company
خدمات ساختمانی
ومدیریت آپارتمان بیلدینگ
WWW.shir-international.com

انجام هر نوع کارهای ساختمانی داخل و خارج، بزرگ و کوچک
در هر نقطه از لس آنجلس باقیمت بسیار مناسب و کیفیت کار عالی با گارانتی صد درصد
Pager: ۳۱۶۰-۹۷۸-۳۱۰
Office: ۹۴۰۸-۶۴۴-۳۱۰
Cel: ۵۹۴۱-۶۷۸-۳۱۰

راه عجیب دیترویت در NBA



دیترویت توانست سرانجام اولین قهرمانی اش را در دوران طولانی حضورش در این لیگ (با شروعی از سال ۱۹۷۲) دشت کند و پیستونز هم قادر شد با همت براون از یک تیم خوب، دوباره به یک تیم عالی تغییر ماهیت دهد. اما اینها ظاهر امر است. براون از این که برخلاف میلش و در حالی که خواهان ابقا در دیترویت بوده برکنار شده، به شدت ناراحت است و حتی دریافت فرامتی کلان بابت سه سال باقی مانده از مدت قراردادش نیز او را سرحال نیاورده است. دیترویت هم با این حقیقت تند و تلخ طرف است که برای سومین بار طی ۴ فصل اخیر دست به تغییر مربی زده و این بار کسی را از دست داده است که از یک تیم بی ستاره، متشکل ترین، محکم ترین و صاحب قوی ترین خط دفاع لیگ را ساخته بود. هواداران پیستونز هم ناراحت اند زیرا هیچ گاه تیم شان را در دهه جاری این طور پر دوام ندیده بودند و براون را در حالی جدا از خویش می بینند که او در ماه های آخر به رغم بیماری شدید جسمانی بیمارستان هیچ گاه تمایلیش را به ادامه کار در دیترویت از دست نداده و در مصاحبه های اخیرش نیز به دفاعات روی این قضیه تأکید کرده بود. بله، طلافی تلخ و عجیب و البته غیر عقلایی بود.

طلاق تلخ و نحسی بود، اما دوران ازدواج، ارزش اش را داشت. در روز های خوب، لری براون و جو دومارز هر روز درباره امور جاری در تیم بسکتبال دیترویت پیستونز حرف می زدند و برنامه ریزی می کردند. در روز های بد فقط وکلای آنان به نمایندگی از سوی مربی راه یافته به هال اف فیم (براون و مدیر بخش اجرایی و عملیاتی باشگاه (دومارز) سخن می گفتند. جدایی تاسف بار دیترویت از براون، مربی دقیق و هوشمندی که این تیم را در فصل گذشته لیگ بسکتبال حرفه ای آمریکا (NBA) به مقام های قهرمانی و نایب قهرمانی رسانده بود، اواسط هفته پیش شکل گرفت و اسباب تاسف ناظران شد. با این حال اگر به هر دو سو این فرصت داده شود که یک بار دیگر به گذشته بازگردند و همه چیز را از نو شروع کنند، باز همین را را خواهند رفت. چرا که براون در این

آموزش شنا، شیرجه و نجات غریق

زیر نظر عباس خلیقی مربی درجه یک بین المللی و تیم ملی ایران
باشنا صاحب بدنی زیبا و مناسب خواهید شد
با ۱۰ ساعت تمرین شنا، ایاموز بدو حوق التعليم آنرا در انتهای کلاس پرداخت کنید
آموزش نجات غریق در ۵ جلسه
آموزش شیرجه بصورت نیمه حرفه ای ۱۵ جلسه
تلفن: ۱۷۲۵-۷۷۶-۸۱۸

محض اطلاع

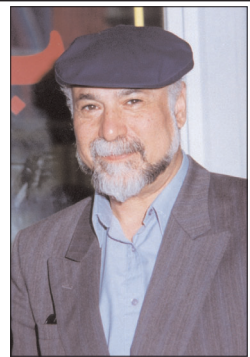
گفته ها

محض اطلاع

شنیده ها

محض اطلاع

خواننده ها



در قلمرو فرهنگ

دوست و همکار دیرینه اسماعیل نوری علاء شاعر و پژوهشگر و منتقد مشهور از هفته گذشته همکاری خود را با هفته نامه "ایرانیان" و "اشنگتن آغاز کرده است. در واقع همکاری با نتقی مختار مدیر و سردبیر این نشریه و به دعوت او در صفحاتی تازه به نام "در قلمرو فرهنگ".

فرهنگی و مطبوعاتی - که حدود ۳۵ یا ۴۰ سالی است از ایران و به طور گوناگون و با عناوین مختلف شروع کرده با سرآغاز: ای انسان! شرحی کوتاه از دعوت دوست قدیم و ندیم خود داده و این که نام "انسان" بهترین سرآغاز است و شرحی شیرین در این مورد آورده است با این نتیجه گیری که: "گرداننده صفحات "در قلمرو فرهنگ" ایمان به توانایی و اصالت انسان و احترام به کرامت خدشه ناپذیر او دارد. انسان مداری و ضرورت احترام به ارزش ها و حقوق انسانی" با تاکید بر این که: از این پس در نشریه "ایرانیان" در راستای آن اصول جهان شمول روزنامه نگاری گام بر خواهد داشت که سردبیر نشریه از نخستین روز انتشارش خود را ملزم به رعایت آن کرده است. پس این بخش هماهنگ خواهد بود با سیاست کلی نشریه که حفظ اصول بی طرفی و ارائه مطالب و اخبار به صورت

غیرالقایی و آب زیرکاهی است. در هر حال اسماعیل خان در آغاز راه، حساب خودش را تر و تمیز ارائه داده و بدون شیشه پیله که همیشه چنین بوده است و با اتکا به آن "تیروی بزرگی که وجدان نام دارد" مطالب "در قلمرو فرهنگ" به مسئولیت نوری علاء در چهار صفحه تنظیم شده و ما این همکاری ثمربخش را به هر دو تن از دوستان خوبمان تبریک می گوئیم.

یکنوع تعارف!

صاحبخانه از خواننده ای که آن شب مهمان آنها بود خواست آوازی بخواند. خواننده عذر خواست که ساز ندارم و دیر وقته و همسایه ها از صدای من ناراحت می شوند! صاحبخانه گفت: یعنی چی؟ سگ های اون ها از صبح تا شب واق واق می کنند و ما هیچی نمی گیم و حالا شما چند دقیقه آواز بخونید،

آن ها چه حقی دارند که ناراحت بشند!

تشیخی پزشک قانونی!

همشهری ما با تمام اصرار رفقا بالاخره با خانم پیر ولی میلیاردری در این دیار ازدواج کرد و دلیلش این بود که فوقش به شش ماه نمی کشه که خانم رهسپار آن دنیا می شود. اما فردای عروسی خبر آوردند که همشهری ما فوت شده همه با نگرانی و تاثر جنازه را به پزشکی قانونی بردند و بعد از کالبدشکافی به طور رسمی عنوان شد نامبرده به خاطر "مصرف" گوشت مانده، مسموم شده است!

لالایی و ساعت!

همشهری ما می گفت: آنقدر لالایی خواندم که بچه ام بخوابه... اما صبح که بلند شدم دیدم ساعت خوابیده!

در اتاق جراحی!

جراح وارد اتاق عمل شد و خانم دستیار گفت: همه چیز حاضره ولی بیمارو هنوز نیابورند! جراح گفت: مانعی نداره ما بدون بیمار کارمون رو شروع می کنیم!

تساوی حقوق!

از خانمی شنیدیم که ما زن ها از خیر تساوی حقوق با مردها که گذشتیم، بهتر است خودشان به تساوی حقوق برسند!

فرضیه نسبت انیشتین!

یکی از دوستش پرسید: فرضیه نسبیت انیشتین به زبان ساده چیه؟ جوابداد: خیلی ساده، وقتی یک کتاب از کتابخانه من کم میشه، در همان حال یک کتاب به کتابخانه جنابعالی اضافه می شه!

تجویز بز شکانه!

همشهری ما به اصرار خانم را به نزد پزشک برد. دکتر پس از معاینه تجویز دو قرص آرام کننده داد و گفت: خانم شما احتیاج به استراحت داره و از این قرص ها، شما یکی صبح یکی شب میل بفرمائید!

آهوی تو باشم!

مدتی بود که دو بیبیتی های محلی برای خودمان زمزمه نکرده بودیم که آن را هم برای شما نسخه کنیم. فعلا این دو بیبیتی کتابادی را بخوانید تا بعد:



مثلا: اومدی کنار... تو بیا... رنگس... کنی مان چشمت رو درویش کن بکبر بخواب!!

دلم می خواست که آهووی تو باشم همیشه سر به زانوی تو باشم دلم می خواست که از گل ها گلایبی همیشه ور به روی تو باشم

حفظ نظم جلسه سخنرانی!

این اعلان جلوی در ورودی سالن یک سخنرانی دیده می شد، ورود برای کسانی که مبتلا به سیاه سرفه هستند، ممنوع است!

ماساژ توسط زیبای ایرانی مر رسده ۳۰۵۲-۳۴۵ (۸۱۸)

رستوران بوگ سبز بهترین مواد غذایی آماده پذیرائی از میهمانان شما در رستوران و یاد منزل شماست 14929 Magnolia Blvd., Sherman Oaks, CA 91403 (818) 386-9672

RE/MAX On The Boulevard نیلی - متخصص در خرید و فروش املاک در منطقه ولی

اطلاعیه مرکز اطلاعات و کاریابی ایرانیان (IRAN) ۴۱۱۱۱ در سراسر جهان به تعدادی بازاریاب خانم و آقایان آمریکا، کانادا، اروپا و کشورهای عربی نیازمند است ۴۱۱-۴۷۲۶ (۸۷۷) ۵۳۳۱-۸۸۱ (۸۱۸)

هرگز شامل حال ملا عمر نمی شد. اگر اصالت نوار تازه تایید شود وی احتمالا در اظهارات خود به اختلافات برآمده در درون طالبان در پی ابتکار عمل دولت برای آشتی چوبی اشاره دارد. آن پیشنهاد باعث شد برخی از اعضای دون پایه طالبان سلاح های خود را زمین بگذارند. اما علیرغم خوشبینی ها دایر بر تاثیر این پیشنهاد در جهت کاهش خشونت ها، ماه های اخیر شاهد خونی ترین حوادث از زمان سقوط طالبان بوده است.

نوار صوتی 'با صدای ملا عمر' تحویل رسانه های افغان شد. چندین رسانه در افغانستان یک نوار صوتی که گفته می شود حاوی پیامی از سوی ملا محمد عمر، رهبر متواری طالبان است، دریافت کرده اند. صاحب صدا در این نوار صوتی از هواداران جنبش تندروی طالبان می خواهد به جهاد ادامه دهند. خشونت هایی که عمدتا به طالبان نسبت داده می شود در سال جاری جان تقریبا ۷۰۰ نفر را گرفته است که اکثریت آنها به حوادث چهار ماه گذشته مربوط می شود. از زمان سقوط حکومت طالبان در افغانستان پس از حمله نیروهای تحت رهبری آمریکا در سال ۲۰۰۱، محل اختفای ملا عمر نیز همچون متحد او، اسامه بن لادن، مجهول بوده است. این نوار صوتی توسط مردی ناشناس در شهر جنوبی قندهار، که زمانی پایگاه اصلی طالبان بود، تحویل

محمومیت تروریست قاتل در اروپا به جرم کشتن یک فیلمساز تکمیل پرورده کیفری علیه وی در این ارتباط به دست نیابورده است. انگیزه قتل فیلمساز هلندی ساختن فیلم کوتاهی بود که مردان مسلمان را نشان می داد که زنان مسلمان را مورد اذیت و آزار قرار داده و آنان را بویری به اتهام عضویت در یک سازمان تروریستی تصمیم بگیرد. در حال حاضر، دوازده نفر دیگر به ظن ارتباط با عضویت در یک گروه تروریستی و برنامه ریزی برای دست زدن به خرابکاری در هلند در انتظار محاکمه به سر می برند. دادستانی هلند معتقد است که محمد بویری از اعضای کلیدی این گروه بوده اما هنوز شواهد کافی برای

سمیر جعجع پس از یازده سال آزاد شد طرفداران آقای جعجع زندانی مغالفت با دولت تحت حمایت سوریه در لبنان را عامل حبس وی توصیف کرده اند. سمیر جعجع ۵۳ سال سن دارد و منتظر می رود برای انجام آزمایش های پزشکی به خارج سفر کند. قبل از عزیمت به خارج وی با چند تن از سیاستمداران لبنانی دیدار می کند و قبل از پرواز به مقصد اعلام نشده ای در اروپا، سخنانی را در تلویزیون این کشور ایراد خواهد کرد. قاتل فیلمساز هلندی به حبس ابد محکوم شد دادگاهی در هلند محمد بویری، مسلمان مراکشی تبار را به جرم قتل تنوون گوگ، فیلمساز هلندی، به حبس ابد محکوم کرده است. محمد بویری، ۲۷ ساله که از وی با عنوان یک اسلامگرای افراطی نام برده شده و دارای تابعیت دوگانه مراکشی و هلندی است، در ماه

شائل دیسکاواری راهی فضا شد مایک لینباخ، مدیر پرتاب ناسا خطاب به ایلین کالپنز و خدمه او پیش از پرواز گفت: به نمایندگی از سوی میلیون ها نفری که عمیقا به کار ما اعتقاد دارند، بخت یارتان و کمی هم آن بالا تفریح کنید. این دومین تلاش ناسا برای پرتاب شاتل در محدوده زمانی پرتاب فعلی از ۱۳ تا ۳۰ ژوئیه بود. تلاش قبلی برای پرتاب در روز ۱۳ ژوئیه به دلیل بروز ایراد فنی در یکی از حسگرهای مخزن سوخت خارجی شاتل لغو شده بود. با این حال این مشکل این بار در جریان شمارش معکوس بروز نکرد. تقویت کننده (solid booster) و مخزن سوخت خارجی بدون حادثه جدا شدند و دیسکاواری پس از هشت دقیقه و نیم موتورهایش را خاموش کرد تا وارد مدار اولیه شود. طی دو روز آینده موتور شاتل چند بار آتش خواهد کرد تا ارتفاع

شائل دیسکاواری راهی فضا شد ناسا نخستین ماموریت فضایی سرنشین دار خود را پس از دو سال و نیم انجام داده است. شاتل فضایی دیسکاواری در ساعت ۳۹:۱۰ به وقت محلی از مرکز فضایی کندی در فلوریدا راهی مدار زمین شد. براساس آخرین گزارش ها شاتل هم اکنون وارد مدار شده است. دیسکاواری در میان غریو شادی تماشاگران و اعضای خانواده های خدمه، فرید و درحالی که دود غلیظی از خود به جا می گذاشت آسمان آبی فلوریدا را شکافت و به فضا رفت. خدمه فضاییما در جریان ماموریت ۱۲ روزه خود به ایستگاه بین المللی فضایی ضمن رساندن تدارکات به ایستگاه، تدابیر تازه ایمنی که پس از حادثه کلمبیا در سال ۲۰۰۳ در این فضاییما تعبیه شده است را امتحان خواهد کرد.

هیچ بستنی و پالوده ای، بستنی و پالوده گل و بلبل همیشه آدرس: وست وود تلفن: ۲۱۲۱-۴۷۰۰ (۳۱۰) شعبه دوم ۱۱۶۲۸ سانتامونیکا

هیچ بستنی و پالوده ای، بستنی و پالوده گل و بلبل همیشه آدرس: وست وود تلفن: ۲۱۲۱-۴۷۰۰ (۳۱۰) شعبه دوم ۱۱۶۲۸ سانتامونیکا